
قرآن مجید
به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر
به زبان های زنده دنیا
الأعلى
آشنایی، اعراب آیات، آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ٦ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۸۷. سوره الأعلى

مشخصات كتاب

سرشناسه:مركز تحقيقات رايانه اى قائميه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پديدآور:قرآن مجيد به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسير/ مركز تحقيقات رايانه اى قائميه اصفهان مشخصات نشر ديجيتالى:اصفهان:مركز تحقيقات رايانه اى قائميه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهرى:نرم افزار تلفن همراه و رايانه

موضوع:معارف قرآنى

سوره الأعلى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱)

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲)

وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدى (۳)

وَ الَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعى (۴)

فَجَعَلَهُ غُثاءً أَحْوى (۵)

سَنُقْرِئُكَ فَلا تَنْسى (۶)

إِلَّا ما شاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ ما يَخْفى (۷)

وَ نُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرى (۸)

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرى (۹)

سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشى (۱۰)

وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (۱۱)

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرى (۱۲)

ثُمَّ لا يَمُوتُ فِيها وَ لا يَحْيى (۱۳)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۱۴)

وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵)

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا (۱۶)

وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقى (۱۷)

إِنَّ هذا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولى (۱۸)

صُحُفِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى (۱۹)

آشنایی با سوره

۸۷- اعلی [برتر]

در آیه اول خدا را با صفت «برتر» بیان کرده است و به تسبیح او، که آفریدگار و مدبر جهان است فرمان داده است. در این سوره، حیات برتر و جاودانه آخرت، و «فلاح در سایه «تزکیه و «ذکر» و «نماز» مطرح شده، و همه، در رابطه با توحید الهی است. پیامبر این سوره را دوست داشت و در نماز جمعه و عید فطر و قربان آن را می خواند و ذکر سجده را از آیه اول این سوره الهام گرفته است. بعد از سوره تکویر و در اوائل بعثت در مکه نازل شده و دارای ۱۹ آیه می باشد.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{سَبِّحِ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {اسْمَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {رَبِّكَ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / (ك) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {الْأَعْلَى} نعت تابع

{الَّذِي} نعت تابع {خَلَقَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {فَسَوَّى} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَالَّذِي} (و) حرف عطف / معطوف تابع {قَدَّرَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {فَهَدَى} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَالَّذِي} (و)

حرف عطف / معطوف تابع {أَخْرَجَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {الْمَرْعی} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{فَجَعَلَهُ} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {غُثاءً} مفعولٌ به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب {أَحْوی} نعت تابع

{سَنُقْرِئُکَ} (س) حرف استقبال / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ک) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر {فَلا} (ف) حرف عطف / حرف نفی غیر عامل {تَنْسی} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر

{إِلَّا} حرف استثنا {ما} مستثنی، منصوب {شاءَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {إِنَّهُ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، اسم إنّ {یَعْلَمُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر إنَّ محذوف {الْجَهْرَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {وَما} (و) حرف عطف / معطوف تابع {یَخْفی} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَنُیَسِّرُکَ} (و) حرف عطف / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ک) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر {لِلْیُسْری} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور

{فَذَکِّرْ} (ف) رابط جواب برای شرط /

فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {إِنْ} حرف شرط جازم {نَفَعَتِ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث {الذِّكْرى} فاعل، مرفوع یا در محل رفع

{سَيَذَّكَّرُ} (س) حرف استقبال / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {مَنْ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {يَخْشى} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَيَتَجَنَّبُهَا} (و) حرف عطف / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {الْأَشْقَى} فاعل، مرفوع یا در محل رفع

{الَّذِی} نعت تابع {يَصْلَى} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {النَّارَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {الْكُبْرى} نعت تابع

{ثُمَّ} حرف عطف {لا} حرف نفی غیر عامل {يَمُوتُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {فِيها} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَلا} (و) حرف عطف / حرف نفی غیر عامل {يَحْيى} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{قَدْ} حرف تحقیق {أَفْلَحَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {مَنْ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {تَزَكَّى} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَذَكَرَ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {اسْمَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {رَبِّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / (ه)

ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {فَصَلَّى} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{بَلْ} حرف اضراب {تُؤْثِرُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الْحَياةَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {الدُّنْيا} نعت تابع

{وَالْآخِرَةُ} (و) حالیه / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {خَيْرٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {وَأَبْقى} (و) حرف عطف / معطوف تابع

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {هذا} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب {لَفِي} (ل) حرف مزحلقه / حرف جر {الصُّحُفِ} اسم مجرور یا در محل جر / خبر إنَّ محذوف {الْأُولى} نعت تابع

{صُحُفِ} بدل تابع {إِبْراهِيمَ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَمُوسى} (و) حرف عطف / معطوف تابع

آوانگاری قرآن

Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi.

۱. Sabbihi isma rabbika al-aAAla

۲. Allathee khalaqa fasawwa

۳. Waallathee qaddara fahada

۴. Waallathee akhraja almarAAa

۵. FajaAAalahu ghuthaan ahwa

۶. Sanuqri-oka fala tansa

۷. Illa ma shaa Allahu innahu yaAAlamu aljahra wama yakhfa

۸. Wanuyassiruka lilyusra

۹. Fathakkir in nafaAAati alththikra

۱۰. Sayaththakkaru man yakhsha

۱۱. Wayatajannabuha al-ashqa

Allathee yasla alnnara alkubra.۱۲

Thumma la yamootu feeha wala yahya.۱۳

Qad aflaha man tazakka.۱۴

Wathakara isma rabbihi fasalla.۱۵

Bal tu/thiroona alhayata alddunya.۱۶

Waal-akhiratu khayrun waabqa.۱۷

Inna hatha lafee alssuhufi al-oola.۱۸

Suhufi ibraheema wamoosa.۱۹

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای: (۱)

همان که آفرید و هماهنگی بخشید. (۲)

و آنکه اندازه گیری کرد و راه نمود. (۳)

و آنکه چمنزار را برآورد؛ (۴)

و پس [از چندی آن را خاشاکی تیره گون گردانید. (۵)

ما بزودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی بر تو خواهیم خواند، تا فراموش نکنی؛ (۶)

جز آنچه خدا خواهد، که او آشکار و آنچه را که نهان است می داند. (۷)

و برای تو آسانترین [راه را فراهم می گردانیم. (۸)

پس پند ده، اگر پند سود بخشد. (۹)

آن کس که ترسد، بزودی عبرت گیرد. (۱۰)

و نگون بخت، خود را از آن دور می دارد؛ (۱۱)

همان کس که در آتشی بزرگ در آید؛ (۱۲)

آنگاه نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد. (۱۳)

رستگار آن کس که خود را پاک گردانید؛ (۱۴)

و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. (۱۵)

لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می گزینید؛ (۱۶)

با آنکه [جهان آخرت نیکوتر و پایدارتر است. (۱۷)

قطعاً در صحیفه های گذشته این [معنی هست، (۱۸)

صحیفه های ابراهیم و موسی. (۱۹)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» منزّه شمار نام پروردگار بلندمرتبه ات را!

«۲» همان خداوندی که آفرید و منظم کرد،

«۳» و همان که اندازه گیری کرد و هدایت نمود،

«۴» و آن کس را که چراگاه را به وجود آورد،

«۵» سپس آن را خشک و تیره قرار داد!

«۶» ما بزودی [قرآن را] بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد،

«۷» مگر آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می داند!

«۸» و ما تو را برای انجام هر کار خیر آماده می کنیم!

«۹» پس تذکّر ده اگر تذکّر مفید باشد!

«۱۰» و بزودی کسی که از خدا می ترسد متذکّر می شود.

«۱۱» امّا بدبخت ترین افراد از آن دوری می گزینند،

«۱۲» همان کسی که در آتش بزرگ وارد می شود،

«۱۳» سپس در آن آتش نه می میرد و نه زنده می شود!

«۱۴» به یقین کسی که پاکی جست [و خود را تزکیه کرد]، رستگار شد.

«۱۵» و [آن که] نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند!

«۱۶» ولی شما زندگی دنیا را مقدم می دارید،

«۱۷» در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است!

«۱۸» این دستورها در کتب آسمانی پیشین [نیز] آمده است،

«۱۹» در کتب ابراهیم و موسی.

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

نام پروردگار برتر و بلند مرتبه ات را [از هرچه رنگ شرک خفی و جلی دارد] منزّه و پاک بدار. (۱)

آنکه آفرید، پس درست و نیکو گردانید. (۲)

و آنکه اندازه قرار داد و هدایت کرد، (۳)

و آنکه چراگاه را رویانید، (۴)

و آن را خاشاکی سیاه گردانید، (۵)

به زودی قرآن

را بر تو می خوانیم، پس هرگز فراموش نخواهی کرد، (۶)

جز آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و آنچه را پنهان است، می داند. (۷)

و تو را برای آسان ترین راه [که شریعت سمحه و سهله است] آماده می کنیم. (۸)

پس [مردم را] اندرز ده، اگر اندرز سودمند افتد. (۹)

کسی که از خدا می ترسد، به زودی متذکّر می شود. (۱۰)

و کسی که از همه بدبخت تر است از آن کناره می گیرد. (۱۱)

همان کسی که در آتش بزرگ تر درمی آید. (۱۲)

آن گاه در آنجا نه می میرد و نه به خوشی زندگی می کند. (۱۳)

بی تردید کسی که خود را [از زشتی های باطن و ظاهر] پاک کرد، رستگار شد. (۱۴)

و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز خواند. (۱۵)

[ولی شما منکران لجوج به سوی راه رستگاری نمی روید] بلکه زندگی دنیا را [بر آن] ترجیح می دهید. (۱۶)

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است. (۱۷)

همانا این [حقایق] در کتاب های آسمانی پیشین هست. (۱۸)

[در] کتاب های ابراهیم وموسی. (۱۹)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما، به نام خدای خود که برتر و بالاتر از همه موجوداتست به تسبیح و ستایش مشغول باش (۱)

آن خدائی که عالم را خلق کرد و همه را به حد کمال خود رسانید (۲)

آن خدائی را که هر چیز را قدر و اندازه ای داد و به راه کمالش هدایت نمود (۳)

آن خدائی که گیاه را سبز و خرم از زمین برویانید (۴)

و آنگاه خشک و سیاه گردانید (۵)

و ما آیات قرآن را بر تو مکرر قرائت می کنیم تا هیچ فراموش نکنی (۶)

مگر آنچه خدا خواهد که از یادت برد که او به امور آشکار و پنهان عالم آگاهست (۷)

و ما تو را بر طریقه شریعت سهل و آسان موفق می داریم (۸)

پس به آیات الهی خلق را اگر سودمند افتد متذکر ساز (۹)

البته هر که خداترس باشد به این تذکر پند میگیرد (۱۰)

و آنکه شقی تر نفس و بدبختترین مردم است آن پند و موعظه الهی نپذیرد و از آن دوری گزیند (۱۱)

آنکس عاقبت به آتش بسیار سخت دوزخ درافتد (۱۲)

و در آن دوزخ نه بمیرد تا راحت شود و نه زنده ماند و برخوردار از زندگانی باشد (۱۳)

حقا فلاح و رستگاری یافت آن کسی که تزکیه نفس کرد (۱۴)

و به ذکر نام خدا به نماز و طاعت پرداخت (۱۵)

اما مردم از جهل و غفلت از پی این سعادت نروند بلکه زندگانی دنیا را بگزینند و عزیز دارند (۱۶)

در صورتی که منزل آخرت بسی بهتر و پاینده تر از دنیای چند روزه است (۱۷)

این گفتار به حقیقت در کتب رسولان پیشین ذکر شده (۱۸)

بخصوص قبل از قرآن در صحف ابراهیم و تورات موسی مفصل بیان گردیده است (۱۹)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

نام پروردگار بلندمرتبه ات را به پاکی یاد کن. (۱)

همان که آفرید و سامان بخشید. (۲)

و آنکه (هر چیز را) اندازه ای نهاد و هدایت کرد. (۳)

آنکه (گیاه) چراگاه را رویانید. (۴)

و سرانجام آن را خشک و تیره کرد. (۵)

ما تو را به قرائت درست وامی داریم، پس فراموش نخواهی کرد. (۶)

مگر آنچه خدا بخواهد که او بی گمان

آشکار و نهان را می داند. (۷)

و ما تو را برای آسان ترین (راه دعوت) آماده می سازیم. (۸)

پس تذکّر بده، (البتّه) اگر تذکّر مفید افتد. (۹)

هر کس خشیت الهی داشته باشد، بزودی پند گیرد. (۱۰)

و بدبخت ترین افراد از آن دوری کند. (۱۱)

همان کس که به آتش بزرگ درافتد. (۱۲)

پس در آنجا نه بمیرد و نه زندگانی کند. (۱۳)

به راستی رستگار شد آن کس که خود را (از پلیدی ها) پاک گردانید. (۱۴)

نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گذارد. (۱۵)

ولی شما زندگی دنیا را ترجیح می دهید. (۱۶)

و حال آنکه آخرت بهتر و ماندگارتر است. (۱۷)

این سخن در کتب آسمانی پیشین نیز آمده است. (۱۸)

کتاب های ابراهیم و موسی. (۱۹)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

نام پروردگار والاترت را - که برتر از همه چیزهاست - به پاکی بستای. (۱)

آن که آفرید - آفریدگان را - و راست و هموار ساخت - سامان بخشید -. (۲)

و آن که اندازه کرد پس راه نمود. (۳)

و آن که [گیاه] چراگاه را بیرون آورد - برویانید -. (۴)

پس آن را خاشاکی خشک و سیاه گردانید. (۵)

زودا که تو را [به قرآن] خوانا گردانیم پس فراموش نمی کنی، (۶)

مگر آنچه خدای خواهد، همانا او آشکار را می داند و نیز آنچه را پنهان و پوشیده است. (۷)

و تو را برای آسانترین راه آماده می سازیم - تو را توفیق پیمودن راه آسان در تبلیغ اسلام می دهیم، یا به شریعت آسان راه می نماییم -. (۸)

پس پند ده و یادآوری کن اگر پند دادن و یادآوری سود داشته باشد.

(۹)

زودا که پند گیرد آن که [از خدای] می ترسد. (۱۰)

و بدبخت ترین [مردم] از آن (پند) کناره می گیرد. (۱۱)

آن که به آن آتش بزرگ - دوزخ - درمی آید، (۱۲)

آنگاه در آن آتش نه می میرد و نه زنده می ماند. (۱۳)

براستی رستگار شد هر که پاکی ورزید - از کفر و شرک و گناهان -، (۱۴)

و نام پروردگارش را یاد کرد - به توحید و تکبیر - پس نماز گزارد. (۱۵)

بلکه شما زندگی این جهان را برمی گزینید، (۱۶)

و حال آنکه آن جهان بهتر و پاینده تر است. (۱۷)

هرآینه این - که یاد شد - در کتابهای پیشینیان هست، (۱۸)

[در] کتابهای ابراهیم و موسی. (۱۹)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

نام پروردگار بزرگ خویش را به پاکی یاد کن: (۱)

آن که آفرید و درست اندام آفرید. (۲)

و آن که اندازه معین کرد. سپس راه نمود. (۳)

و آن که چراگاهها را رویانید، (۴)

سپس خشک و سیاه گردانید. (۵)

زودا که برای تو بخوانیم، مباد که فراموش کنی . (۶)

مگر آنچه خدا بخواهد. اوست که آشکارا و نهان را می داند. (۷)

و تو را به کیش آسان توفیق دهیم. (۸)

اگر پند دادنت سود کند، پند ده . (۹)

آن که می ترسد، پند می پذیرد. (۱۰)

و بدبخت از آن دوری می گزیند: (۱۱)

آن که به آتش بزرگ جهنم درافتد، (۱۲)

و در آنجا نه بمیرد و نه زنده باشد. (۱۳)

هر آینه پاکان رستگار شدند، (۱۴)

آنان که نام پروردگار خود را بر زبان آوردند و نماز گزاردند. (۱۵)

آری ، شما زندگی

این جهان را بر می گزینید، (۱۶)

حال آنکه آخرت بهتر و پاینده تر است. (۱۷)

این سخن در صحیفه های نخستین است: (۱۸)

صحیفه های ابراهیم و موسی . (۱۹)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

به نام پروردگارت که بلندمرتبه است، تسبیح گوی (۱)

همانکه آفرید و سامان بخشید (۲)

همان کسی که اندازه آفرینی و رهنمایی کرد (۳)

و همان کسی که چراگاه ها[ی سبز و خرم] رویانید (۴)

و سرانجام آن را خاشاکی [پژمرده و] سیاه گردانید (۵)

زودا که تو را به خواندن آوریم و از یاد مگذاری (۶)

مگر آنچه خدا خواهد، که او آشکار و نهان را می داند (۷)

و در کار تو آسانی پدید آوریم (۸)

پس اندرز ده، اگر [دهی] اندرز سود دهد (۹)

زودا کسی که خشیت پیشه کرده است، پند گیرد (۱۰)

و شقاوتپیشه از آن دوری کند (۱۱)

همان کسی که به آتش سترگ درآید (۱۲)

آنگاه در آنجا نه بمیرد و نه زنده بماند (۱۳)

به راستی هر کس پاکدلی پیشه کرد، رستگار شد (۱۴)

و [هر کس] که نام پروردگارش را یاد کرد و نیایش کرد (۱۵)

حق این است که شما زندگانی دنیا را بر می گزینید (۱۶)

و حال آنکه آخرت بهتر و پاینده تر است (۱۷)

این [نکته] در کتب آسمانی پیشین هم هست (۱۸)

در صحف ابراهیم و موسی (۱۹)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تسبیح گوی نام پروردگار خویش را آن برتر (۱)

آنکه آفرید پس راست کرد (۲)

و آنکه تقدیر کرد پس هدایت کرد (۳)

و آنکو برون آورد چراگاه را (۴)

پس گردانیدش خشک سیاه (۵)

زود است بخوانیم بر تو (خوانا گردانیمت) تا فراموش نکنی (۶)

مگر آنچه خواهد خدا که او می داند آشکار را و آنچه نهان شود (۷)

و روان گردانیمت بسوی آسانی (۸)

پس یادآوری

کن اگر سود دهد یادآوردن (۹)

زود است یادآورد آنکه می ترسد (۱۰)

و دوری گزیندش بدبخت تری (۱۱)

که می چشد آتش بزرگتر را (۱۲)

پس نمیرد در آن و نه زنده شود (۱۳)

همانا رستگار شد آنکه پاکی جست (۱۴)

و یاد کرد نام پروردگارش را پس نماز گزارد (۱۵)

بلکه برمی گزینید زندگانی دنیا را (۱۶)

و آخرت بهتر است و پایدارتر (۱۷)

همانا این است در نامه های نخستین (۱۸)

نامه های ابراهیم و موسی (۱۹)

ترجمه انگلیسی قرائی

In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful.

۱ Celebrate the Name of your Lord, the Most Exalted,

۲ who created and proportioned,

۳ who determined and guided,

۴ who brought forth the pasture,

۵ then turned it into a black scum.

۶ We shall have you recite [the Qur’an], then you will not forget [any of it]

۷ except what Allah may wish. Indeed He knows the overt and what is hidden.

.[We shall smooth your way to [preach] the easiest [canon ۸

:So admonish, for admonition is indeed beneficial ۹

,he who fears will take admonition ۱۰

and the most wretched will shun it ۱۱

,he who will enter the Great Fire— ۱۲

.then neither live in it, nor die ۱۳

,Felicitous is he who purifies himself ۱۴

.celebrates the Name of his Lord, and prays ۱۵

,Rather you prefer the life of this world ۱۶

.while the Hereafter is better and more lasting ۱۷

,This is indeed in the former scriptures ۱۸

.the scriptures of Abraham and Moses ۱۹

ترجمه انگلیسی شاکر

(Glorify the name of your Lord, the Most High, (۱

(Who creates, then makes complete, (۲

(And Who makes (things) according to a measure, then guides (them to their goal), (۳

(And Who brings forth herbage, (۴

(Then makes it dried up, dust-colored. (۵

(We will make you recite so you shall not forget, (۶

(Except what Allah pleases, surely He knows the manifest, and what is hidden. (۷

(And We will make your way smooth to a state of ease. (٨

(Therefore do remind, surely reminding does profit. (۹

(He who fears will mind, (۱۰

(And the most unfortunate one will avoid it, (۱۱

(Who shall enter the great fire; (۱۲

(Then therein he shall neither live nor die. (۱۳

(He indeed shall be successful who purifies himself, (۱۴

(And magnifies the name of his Lord and prays. (۱۵

(Nay! you prefer the life of this world, (۱۶

(While the hereafter is better and more lasting. (۱۷

(Most surely this is in the earlier scriptures, (۱۸

(The scriptures of Ibrahim and Musa. (۱۹

ترجمه انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

, Glorify the name of your Lord, the All-Highest (۱)

,Who has created and fashioned (۲)

,Who has proportioned and guided (۳)

,Who brings forth pasturage (۴)

.then turns it into weather-beaten stubble (۵)

[We shall make you recite, so do not forget [anything (۶)

.except whatever God may wish; He knows the obvious and what is hidden (۷)

,We will make it easy for you to take the easy way (٨)

.[so remind [men], if reminding will benefit [anyone (٩)

Anyone who feels afraid will be reminded (١٠)

,while the unluckiest (١١)

;the one who will roast in the greatest Fire, shunts it aside (١٢)

.then he will neither die in it, nor yet live there (١٣)

,Anyone who purifies himself (١٤)

.mentions his Lord's name and prays, will prosper (١٥)

Instead you prefer worldly life (١٦)

.whereas the Hereafter is better and more enduring (١٧)

This has been [written] on the (١٨)

earliest scrolls,

۱۹) the scriptures of Abraham and Moses.

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

۱) Magnify the Name of thy Lord the Most High)

۲) who created and shaped,)

۳) who determined and guided,)

۴) who brought forth the pasturage)

۵) then made it a blackening wrack.)

۶) We shall make thee recite, to forget not)

۷) save what God wills; surely He knows what is spoken aloud and what is hidden.)

۸) We shall ease thee unto the Easing.)

۹) Therefore remind, if the Reminder profits,)

۱۰) and he who fears shall remember,)

۱۱) but the most wretched shall flout it,)

۱۲) even he who shall roast in the Great Fire,)

۱۳) then he shall neither die therein, nor live.)

۱۴) Prosperous is he who has cleansed himself,)

۱۵) and mentions the Name of his Lord, and prays.)

۱۶) Nay, but you prefer the present life;)

(and the world to come is better, and more enduring. (۱۷

(Surely this is in the ancient scrolls, (۱۸

(the scrolls of Abraham and Moses. (۱۹

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(Praise the name of thy Lord the Most High, (۱

(Who createth, then disposeth; (۲

(Who measureth, then guideth; (۳

(Who bringeth forth the pasturage, (۴

(Then turneth it to russet stubble. (۵

(We shall make thee read (O Muhammad) so that thou shalt not forget (۶

Save that which Allah willeth. Lo! He knoweth the disclosed and that which still is (hidden; (۷

(And We shall ease thy way unto the state of ease. (۸

Therefor remind

(men), for of use is the reminder. (۹)

(He will heed who feareth, (۱۰

(But the most hapless will flout it, (۱۱

(He who will be flung to the great fire (۱۲

(Wherein he will neither die nor live. (۱۳

(He is successful who groweth, (۱۴

(And remembereth the name of his Lord, so prayeth. (۱۵

(But ye prefer the life of the world (۱۶

(Although the Hereafter is better and more lasting. (۱۷

(Lo! This is in the former scrolls, (۱۸

(The Book of Abraham and Moses. (۱۹

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(Glorify the name of thy Guardian-Lord Most High. (۱

(Who hath created and further given order and proportion; (۲

(Who hath ordained laws. And granted guidance; (۳

(And Who bringeth out the (green and luscious) pasture. (۴

(And then doth make it (but) swarthy stubble. (۵

(By degrees shall We teach thee to declare (the Message) so thou shalt not forget (۶

(Except as Allah wills: For He knoweth what is manifest and what is hidden. (۷

(And We will make it easy for thee (to follow) the simple (Path). (۸

(Therefore give admonition in case the admonition profits (the hearer). (۹

(The admonition will be received by those who fear (Allah): (۱۰

(But it will be avoided by those most unfortunate ones. (۱۱

(Who will enter the Great Fire (۱۲

(In which they will then neither die nor live. (۱۳

(But those will prosper who purify themselves. (۱۴

And glorify the name of their Guardian-Lord and

(lift their hearts) in Prayer. (۱۵)

(Nay (behold) ye prefer the life of this world; (۱۶

(But the Hereafter is better and more enduring. (۱۷

(And this is in the Books of the earliest (Revelations) (۱۸

(The Books of Abraham and Moses. (۱۹

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

,Glorifie le nom de ton Seigneur, le Très Haut .۱

,Celui Qui a crée et agencé harmonieusement .۲

,qui a décrété et guidé .۳

,et qui a fait pousser le pâturage .۴

.et en a fait ensuite un foin sombre .۵

Nous te ferons réciter (le Coran), de sorte que tu n'oublieras .۶

que ce qu'Allah veut. Car, Il connaît ce qui paraît au grand jour ainsi que ce qui est .۷ .caché

.Nous te mettrons sur la voie la plus facile .۸

.Rappelle, donc, où le Rappel doit être utile .۹

,Quiconque craint (Allah) s'[en] rappellera .۱۰

,et s'en écartera le grand malheureux .۱۱

,qui brûlera dans le plus grand Feu .۱۲

.où il ne mourra ni ne vivra .۱۳

,Réussit, certes, celui qui se purifie .۱۴

.et se rappelle le nom de son Seigneur, puis célèbre la Salat .۱۵

,Mais, vous préférez plutt la vie présente .۱۶

.alors que l'au-delà est meilleur et plus durable .۱۷

,Ceci se trouve, certes, dans les Feuilles anciennes .۱۸

.les Feuilles d'Abraham et de Moïse .۱۹

ترجمه اسپانیایی

,Glorifica el nombre de tu Señor, el Altísimoi .۱

,Que ha creado y dado forma armoniosa .۲

,Que ha determinado y dirigido .۳

Que ha sacado el pasto .۴

!y, luego, hecho de él obscuro heno .۵

,Te haremos recitar y, así no olvidarás .۶

.salvo lo que Alá quiera. Él conoce lo patente y lo escondido .۷

.Te facilitaremos el acceso a la mayor felicidad .۸

Amonesta, pues, si lai .۹

!amonestación aprovecha

,Se dejará amonestar quien tenga miedo de Alá .۱۰

,y la evitará el infame .۱۱

.que arderá en el tan grande Fuego .۱۲

.sin en él morir ni vivir .۱۳

,Bienaventurado, en cambio, quien se purifiquei .۱۴

!quien mencione el nombre de su Señor y ore .۱۵

,Pero preferís la vida de acá .۱۶

.siendo así que la otra es mejor y más duradera .۱۷

,Esto se encuentra en las Hojas primeras .۱۸

.las Hojas de Abraham y de Moisés .۱۹

ترجمه آلمانی

.digen, des BarmherzigenنIm Namen Allahs, des Gn

,Preise den Namen deines Herrn, des Hchsten .۱

,Der da erschafft und vollendet .۲

,Und Der bestimmt und leitet .۳

,Der die Weide hervorbringt .۴

.tنکUnd sie dann schwarz verdorren l .۵

,Wir werden dich (den Koran) lehren, und du wirst (ihn) nicht vergessen .۶

.Es sei denn, was Allah will. Fürwahr, Er kennt, was offen ist und was verborgen .۷

۸. Und Wir werden es dir leicht machen.

۹. Ermahne also; gewiك, Ermahnung frommt.

۱۰. Der da fürchtet, wird (sie) beachten;

۱۱. Doch der Ruchlose wird sie meiden –

۱۲. Er, der ins groك e Feuer eingehen soll.

۱۳. Dann wird er darinnen weder sterben noch leben.

۱۴. Wahrlich, der wird Erfolg haben, der sich reinigt,

۱۵. Und des Namens seines Herrn gedenkt und betet.

۱۶. Ihr aber bevorzugt das Leben in dieser Welt,

۱۷. Wiewohl das Jenseits besser ist und bleibender.

۱۸. Dies ist fürwahr dasselbe, was in den früheren Schriften steht,

۱۹. Den Schriften Abrahams und Moses'.

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. Glorifica il Nome del tuo Signore, l'Altissimo,

۲. Colui che ha creato e dato forma armoniosa,

۳. Colui che ha decretato e guidato ,

۴. Colui che fa germinare i pascoli,

۵. e ne fa poi fieno scuro.

۶. Ti faremo recitare [il Corano] e non dimenticherai

.se non ciò che Allah vuole. Egli conosce il palese e l'occulto .٧

. Ti faciliteremo la [via] più facile .٨

:Ricorda, ché il Ricordo è utile .٩

se ne ricorderà chi .١٠

teme [Allah]

۱۱. e solo il malvagio se ne allontanerà:

۱۲. brucerà nel Fuoco più grande,

۱۳. in cui non morrà e non vivrà.

۱۴. Avrà successo chi si sarà purificato,

۱۵. e avrà ricordato il Nome di Allah e assolto all'orazione.

۱۶. Ma voi preferite la vita terrena,

۱۷. mentre l'altra è migliore e più duratura.

۱۸. In verità ciò è nei Fogli antichi,

۱۹. i Fogli di Abramo e di Mosè.

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

۱. Хвали же им Господа твоего высочайшего,

۲. который сотворил и соразмерил,

۳. который распределил и направил

۴. и который вывел пастбище,

۵. и сделал его коричневым сором!

۶. Мы дадим прочесть тебе, и ты не забудешь,

۷. если не пожелает чего-нибудь Аллах, - ведь, поистине, Он знает явное и то, что скрыто!

۸. И Мы облегчим тебе для легчайшего.

۹. Поминай же, если полезно поминание.

۱۰. Вспомнит тот, кто боязлив.

۱۱. И отвернется от него несчастнейший,

۱۲. который будет гореть в огне величайшем.

۱۳. Потом не умрет он там и не будет жив.

۱۴. Получил прибыль тот, кто очистился,

۱۵. и помянул им Господа своего и помолился.

۱۶. Да, вы предпочитаете жизнь ближайшую,

۱۷. а последняя лучше и длительнее.

۱۸. Поистине, это - в свитках первых,

۱۹. свитках Ибрахима и Мусы!

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm Allah adiyle.

۱- Tenzîh et yücelerden yüce Rab-binin adn.

۲- Bir Rab ki yaratt, derken düzüp ko tu.

۳- Bir Rab ki Içüp biçti, derken doru yolu buldurdu.

۴- Bir Rab ki otla çkard.

۵- Derken onu kapkara, kupkuru bir hale dndürdü.

۶- Seni okutaca da unutmayacaksn.

۷- Ancak Allah dilerse o ba ka; üphe yok ki o, aça vurulan da, gizli kalan da bilir.

۸- Ve sana, en kolay yolda ba ar vereceiz.

۹- Artk üt ver, fayda verirse eer.

۱۰- Korkan üt alr.

۱۱- En ktü ve bahtsz olan, ondan saknr.

۱۲- ض yle bahtsz ki o, pek büyük ata e atlr, yanar.

۱۳- Sonra da orada ne lür, ne dirilir.

۱۴- Gerçekten de kurtulur, murâda erer kendini

.temizleyen

.Ve Rabbinin adn anp da namaz klan -۱۵

.Hayr, siz dünyâ ya ay n üstün tutarsnz -۱۶

.Ahiretse daha hayrldr ve daha da sürekli -۱۷

.üphe yok ki bu vard, elbette daha ِnceki sahîfelerdeق -۱۸

.brâhim’in ve Mûsa’nn sahî-felerindeف -۱۹

ترجمه آذربایجانی

!Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə

Ya Peyğəmbər!) Ən uca olan Rəbbinin adını pak (müqəddəs) tutub şə'ninə tariflər) .۱
!de

.O Rəbbin ki, (hər şeyi) xəlq etdi və nizama saldı .۲

O Rəbbin ki, (hər şeyin keyfiyyətini, xüsusiyyətini, davam müddətini) əzəldən . ۳
.müəyyən etdi və (hamıya) yol göstərdi

.O Rəbbin ki, (torpağı yarıb ondan yamyaşıl) otlar çıxartdı .۴

.Sonra da onu (qupquru) qara çör-çöpə döndərdi .۵

;Ya Peyğəmbər!) Biz sənə (Qur'anı) oxudacağıq və sən (onu) unutmayacaqsan) .۶

Yalnız Allahın dilədiyindən (hökmünü ləğv etdiyimiz bu və ya digər ayədən) başqa! .۷
!Şübhəsiz ki, O, aşkarı da, gizlini də bilir

.Biz sənə ən asan olanı (islam şəriətini) müyəssər edərik .۸

Ya Peyğəmbər!) Əgər nəsihət etmək fayda versə, (ümmətinə Qur'anla) öyüd-) .۹
!nəsihət ver

!Allahdan) qorxan kimsə mütləq öyüd-nəsihət qəbul edəcəkdir) .۱۰

۱۱. Bədbəxt (kafir) isə ondan (öyüd-nəsihətdən) qaçacaqdır.

۱۲. (O bədbəxt ki) ən böyük oda (cəhənnəm oduna) girəcəkdir.

۱۳. Orada nə öləcək, nə də yaşayacaqdır! (Nə ölü kimi ölü, nə də diri kimi diri olacaqdır!)

۱۴. (Günahlardan) təmizlənən kimsə isə nicat tapacaqdır.

۱۵. O kimsə ki, Rəbbinin adını zikr edib namaz qılar!

۱۶. Lakin siz (ey insanlar!) dünyanı üstün tutursunuz!

۱۷. Halbuki axirət daha xeyirli və daha baqidir.

۱۸. Həqiqətən, bu deyilənlər (Qur'andan) əvvəlki kitablarda mövcuddur -

۱۹. İbrahimin və Musanın kitablarında!

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بڑا مہربان نہایت رحم والا ہے

۱. (اے پیغمبر) اپنے پروردگار جلیل الشان کے نام کی تسبیح کرو

۲. جس نے (انسان کو) بنایا پھر (اس کے اعضاء کو) درست کیا

۳. اور جس نے (اس کا) اندازہ ٹھہرایا (پھر اس

کو) رستہ بتایا

۴. اور جس نے چارہ اگایا

۵. پھر اس کو سیاہ رنگ کا کوڑا کر دیا

۶. ہم تمہیں پڑھا دیں گے کہ تم فراموش نہ کرو گے

۷. مگر جو خدا چاہے وہ کھلی بات کو بھی جانتا ہے اور چھپی کو بھی

۸. ہم تم کو آسان طریقے کی توفیق دیں گے

۹. سو جہاں تک نصیحت (کے) نافع(ہونے کی امید) ہو نصیحت کرتے رہو

۱۰. جو خوف رکھتا ہے وہ تو نصیحت پکڑے گا

۱۱. اور (بیخوف) بدبخت پہلو تہی کرے گا

۱۲. جو (قیامت کو) بڑی (تیز) آگ میں داخل ہو گا

۱۳. پھر وہاں نہ مرے گا اور نہ جئے گا

۱۴. بے شک وہ مراد کو پہنچ گیا جو پاک ہوا

۱۵. اور اپنے پروردگار کے نام کا ذکر کرتا رہا اور نماز پڑھتا رہا

۱۶. مگر تم لوگ تو دنیا کی زندگی کو اختیار کرتے ہو

۱۷. حالانکہ آخرت بہت بہتر اور پائندہ تر ہے

۱۸. یہ بات پہلے صحیفوں میں (مرقوم) ہے

۱۹. (یعنی) ابراہیم اور موسیٰ کے صحیفوں میں

ترجمه پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چې ډېر زيات مهربانه او پوره رحم لرونکې دې د خپل رب د نوم پاکی بیان کړه چې ډېره لوړه مرتبه لری

۲. هماغه خدای چ□ (□ول □□زونه) ي□ پيدا ك□ل او منظم (برابر او ب□ نقصانه) ي□ ك□ل

۳. او هغه (خدای) چ□ اندازه ي□ ك□ل او هدايت ي□ ك□ل (لاره ي□ ورو□وده)

۴. او هغه (خدای) چ□ له □مك□ ي□ تازه □ياه (د □رند □ای) راويست□ ده

۵. بيا ي□ هغه (شنه □ياه) وچه

توره و□ر□وله (پخه ي□ ک□ه)

۶. □□ر زر به مون□ (قرآن د جبرائیل په ژبه) په تا ولولو او هی□ کله به ي□ ته نه هیرو□

۷. م□ر هغه □ه چ□ خدای وغوا□ی ب□شکه هغه ته □ر□ند او پ□ (□ول) معلوم دی

۸. او مون□ تا آسان□ لار□ (د شریعت یا د خ□ر هر کار) ته چمتو کوو

۹. نو پند (یادونه) ورک□ه که چ□ر□ یادونه فائده ولری

۱۰. زر به هغه □وک پند واخلی چ□ کوم له خدایه ویری□ی

۱۱. او له د□ (پند) □خه له □ولو لوی بدبخت □□ه کوی

۱۲. هغه (لوی بدبخت) چ□ ننو□ی به لوی اور ته

۱۳. بیا به هغ□ (اور) ک□□ نه مری او نه به (□ه) ژوند□ وی

۱۴. په تحقیق سره چ□ چا □ان (له □ناهونو) پاک ک□ هغۀ بر□ بیا موند

۱۵. او د خپل پرورد□ار نوم ي□ یاد ک□ بیا ي□ لمون□ وک□

۱۶. خو تاسو د دنیا (ل□) ژوند پر آخرت غوره کوئ

۱۷. پداس□ حال ک□□ چ□ آخرت (ستاسو لپاره) □ه او تل تر تله باقی د□

۱۸. په تحقیق سره چ□ دا (خبر□ او حکمونه) په و□اند□ (آسمانی) کتابونو ک□□ (هم) راغلی دی

۱۹. د ابراهیم(ع) او موسی(ع) په کتابونو ک□□

ترجمه کردی

۱. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn (Muhemmed!) tu bi navê Xuda yê xweyê bilintir paqîjî ya vî ji kêmayan bike.

۲. Ew (Xweda yê te) afirandin kirîye, îdî bi pêkanî rast kiriye.

۳. Ewî ji hemû heyan ra (temtêla wan) pîvaye, îdî paşê anîye rêya rast.

۴. Ewî kovîçêr derxistîye.

۵. Îdî paşê ewa (çêra) xistêye gîhakî reşê hişk

.maye

Muhemmed) di nêzîk da (bi Cibraîl) emê (Qur'an ê) ji te ra bidin xûndinê, îdî tu bîrva) .۶
.nekî

Ji pêştirê tişta Yezdan (bîrva kirina wê) va ye. Loma bi rastî Yezdan bi tişta xûyayî û .۷
.bi tişta veşartî dizane

.Û emê ji bona te ra rêya hêsabûna (berkirinê) pêk bîn in .۸

.Muhemmed) heke şîreta (bi Qur'an ê)ji bona wan ra kêr tê tu ji wan ra şîretan bike) .۹

.Bi rastî ewê (ji Xudê) bitirs e, wê (ji Qur'an ê) şîretan hilde .۱۰

.Ewê gunehkarê ji rê derketî heye! Ewa jî xwe (ji şîretê Qur'an ê) diparisîn e .۱۱

.Ewa di agirê mezin da tê avêtinê .۱۲

.Paşê (di agirda jî) ne dijî û ne jî dimire .۱۳

.Bi sond! Ewê ku xwe ji (gunehan) paqij kirîye haye! Ewa feredte bûye .۱۴

.Îdî ewî bi navê Xuda yê xwe şîret hildaye û nimêj kirîye .۱۵

.Lê hûnê jîna cihanê heldibijêrin .۱۶

.Jîna parada jî (ji jîna cihanê) çêtir û mayîtir e .۱۷

.Bi rastî evan (şîretan) di pirtûk û rûpelên berêda jî hebûn e .۱۸

.Ewan rûpelan, rûpelê Ibrahîm û Mûsa nin .۱۹

ترجمه اندونزی

(Oleh sebab itu berikanlah peringatan karena peringatan itu bermanfaat,(۹

(Orang yang takut (kepada Allah) akan mendapat pelajaran,(۱۰

(Orang- orang yang celaka (kafir) akan menjauhinya.(۱۱) (۲

(Yaitu) orang yang akan memasuki api yang besar (neraka).(١٢) (٣)

(Kemudian dia tidak mati di dalamnya dan tidak (pula) hidup.(١٣) (٤

(Sesungguhnya beruntunglah orang yang membersihkan diri (dengan beriman),(١۴) (۵

(Dan dia ingat nama Tuhannya, lalu dia sembahyang.(١۵) (۶

Tetapi kamu (orang- orang

(kafir) memilih kehidupan duniawi.(۱۶) (۷

(Sedang kehidupan akhirat adalah lebih baik dan lebih kekal.(۱۷) (۸

(Sesungguhnya ini benar- benar terdapat dalam kitab- kitab yang dahulu,(۱۸) (۹

(Yaitu) Kitab- kitab Ibrahim dan Musa.(۱۹) (۱۰)

(Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang. (۱۱

(Sudah datangkah kepadamu berita (tentang) hari pembalasan.(۱) (۱۲

(Banyak muka pada hari itu tunduk terhina,(۲) (۱۳

(Bekerja keras lagi kepayahan,(۳) (۱۴

(Memasuki api yang sangat panas (neraka),(۴) (۱۵

(Diberi minum (dengan air) dari sumber yang sangat panas.(۵) (۱۶

(Mereka tiada memperoleh makanan selain dari pohon yang berduri,(۶) (۱۷

(Yang tidak menggemukkan dan tidak pula menghilangkan lapar.(۷) (۱۸

(Banyak muka pada hari itu berseri- seri,(۸) (۱۹

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Bertasbihlah mensucikan nama Tuhanmu Yang Maha Tinggi (dari segala sifat-sifat (kekurangan), - (۱

Yang telah menciptakan (sekalian makhlukNya) serta menyempurnakan kejadiannya (dengan kelengkapan yang sesuai dengan keadaannya; (۲

Dan Yang telah mengatur (keadaan makhluk-makhlukNya) serta memberikan (hidayah petunjuk (ke jalan keselamatannya dan kesempurnaannya); (۳

Dan Yang telah mengeluarkan tumbuh-tumbuhan untuk binatang-binatang ternak, ((۴

Kemudian Ia menjadikan (tumbuh-tumbuhan yang menghijau) itu kering - (berubah (warnanya) kehitam-hitaman. (۵

Kami sentiasa menjadikan engkau (wahai Muhammad) dapat membaca (Al-Quran yang diturunkan kepadamu - dengan perantaraan jibril), sehingga engkau ((menghafaznya dan) tidak lupa, (۶

Kecuali apa yang dikehendaki Allah engkau lupakan; sesungguhnya Ia mengetahui ((segala keadaan yang patut berlaku), dan yang tersembunyi. (۷

Dan Kami tetap memberi kemudahan kepadamu untuk (melaksanakan segala (perkara) Ugama yang mudah diterima oleh akal yang sihat. (۸

,(Oleh itu berilah peringatan (kepada umat manusia dengan ajaran Al-Quran

(kalau-kalau peringatan itu berguna (dan sudah tentu berguna); (۹

Kerana orang yang takut (melanggar perintah Allah) akan menerima peringatan itu; ((۱۰

(Dan (sebaliknya) orang yang sangat celaka akan menjauhinya, (۱۱

Dia lah orang yang akan menderita bakaran neraka yang amat besar (azab (seksanya), (۱۲

(Selain dari itu, ia tidak mati di dalamnya dan tidak pula hidup senang. (۱۳

Sesungguhnya berjayalah orang yang - setelah menerima peringatan itu - berusaha (membersihkan dirinya (dengan taat dan amal yang soleh), (۱۴

Dan menyebut-nyebut dengan lidah dan hatinya akan nama Tuhannya serta (mangerjakan sembahyang (dengan khusyuk). (۱۵

Tetapi kebanyakkan kamu tidak melakukan yang demikian), bahkan kamu utamakan) (kehidupan dunia; (۱۶

(Padahal kehidupan akhirat lebih baik dan lebih kekal. (۱۷

Sesungguhnya (keterangan-keterangan yang dinyatakan) ini ada (disebutkan) di (dalam Kitab-kitab yang terdahulu, - (۱۸

(Iaitu Kitab-kitab Nabi Ibrahim dan Nabi Musa. (۱۹

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Litakase jina la Mola wako aliye Mtukufu .۱

.Ambaye ameumba akakamilisha .۲

.Na ambaye amekadiria na akaongoza .۳

۴. Na ambaye ameotesha malisho.

۵. Kisha akayafanya makavu, yenye kupiga weusi.

۶. Tutakusomesha wala hutasahau.

۷. Ila akipenda Mwenyeezi Mungu, hakika yeye anayajua yaliyo wazi na yaliyofichika.

۸. Na tutakurahisishia yawe mepesi.

۹. Basi kumbusha ikiwa utafaa ukumbusho.

۱۰. Atakumbuka anayemcha (Mwenyeezi Mungu).

۱۱. Na atajiepusha nao mwingi wa mateso.

۱۲. Ambaye atauingia Moto mkubwa.

۱۳. Kisha humo hatakufa wala hatakuwa hai.

۱۴. Hakika amekwisha faulu aliyejitakasa.

۱۵. Na akakumbuka jina la Mola wake na akaswali.

۱۶. Lakini nyinyi mnapenda zaidi maisha ya dunia.

۱۷. Hali akhera ni bora na

.yenye kudumu

.Hakika haya yamo katika Vitabu vya kwanza .۱۸

.Vitabu vya Ibrahimu, na Musa .۱۹

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۴۳۷

(۸۷) سوره اعلی مکی است و نوزده آیه دارد (۱۹)

[سوره الأعلی (۸۷): آیات ۱ تا ۱۹] ترجمه آیات بنام خدای رحمان و رحیم،

نام پروردگار بلند مرتبه خود را منزه بدار (و در ردیف نامهای دیگرش قرار مده) (۱). پروردگاری که اجزای عالم را از عدم به وجود آورد و هر یک را در جایی قرار داد که باید قرار می داد (۲).

و پروردگاری که هر چیزی را دارای حدود و اندازه ای کرد به طوری که برای رسیدنش به هدف نهایی از خلقتش مجهز باشد (۳).

و پروردگاری که چراگاه ها از زمین رویانید (۴).

صفحه ی ۴۳۸

و دوباره خزانش کرد و به صورت خاشاکی سیاه در آورد (۵).

از نظر حفظ قرآن دلواپس مباش اینقدر برایت می خوانیم که دیگر از یادش نبری (۶).

البته به اذن ما از یاد نبری و گر نه هر چه را که بخواهد از یاد خواهی برد که خدا دانای به آشکار و نهان است (۷).

و ما در سر هر دو راهی تو را به راه آسان تر دعوت، سوق می دهیم و انتخاب آن را به فطرت پاکت الهام می کنیم (۸).

پس تو به کار تذکر دادنت بپرداز البته جایی که تذکر مفید باشد (۹).

که به زودی آنها که از خدا می ترسند متذکر می شوند (۱۰).

ولی بدبخت ترین افراد از تذکر تو اعراض می کنند (۱۱).

بدبخت هایی که در آتش خواهند سوخت آتشی که از آتش دنیا سوزنده تر است (۱۲).

چون در آن مرگ و حیاتی نیست (۱۳).

محققا هر کس که خود را تزکیه کند رستگار می شود (۱۴).

و هر وقت نام خدا را به یاد

آورد بلافاصله به نماز بایستد (۱۵).

ولی شما ای مردم! زندگی دنیا را بر آن رستگاری مقدم می دارید (۱۶).

با اینکه زندگی آخرت خیر محض و فنا ناپذیر است (۱۷).

این سفارش ها در صحف قدیم نیز بود (۱۸).

یعنی صحف ابراهیم و موسی (۱۹).

بیان آیات در این آیات به توحید خدای تعالی امر شده، توحیدی که لایق به ساحت مقدس او باشد، و نیز به تنزیه ذات متعالیه اش از اینکه نام مقدسش با نامی دیگر ذکر شود، و یا چیزی که باید به او مستند شود بغیر او نسبت دهند، مثلا کسی دیگر را در خلقت و تدبیر و رزق شریک او بدانند، و به رسول خدا (ص) وعده تایید می دهد، تایید به وسیله علم و حفظ، و نیز وعده می دهد که او را از آسان ترین طریق و مناسب ترین راه موفق به تبلیغ و دعوت بفرماید.

و سیاق آیات اول سوره سیاق آیات مکی است، و اما ذیل سوره یعنی از جمله" قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ..." مورد تردید است برای اینکه از طرق ائمه اهل بیت و همچنین از طرق اهل سنت

روایاتی رسیده که منظور از" تزکی" دادن زکات فطره و خواندن نماز عید است، و این را هم می دانیم که روزه و توابعش که یکی زکات فطره است و همچنین نماز عید، بعد از هجرت در مدینه تشریع شده نتیجه می گیریم که آیات ذیل سوره در مدینه نازل شده، پس سوره مورد بحث مشتمل است بر آیات مکی و مدنی هر دو، و این با روایاتی که می گوید این سوره مکی است منافاتی ندارد، برای اینکه می توان آن را حمل کرد به اینکه منظور صدر

سوره است.

[توضیح معنای اینکه فرمود:" سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ- نام پروردگارت را تنزیه کن" و اقوال مختلف در این باره

" سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی" در این آیه به رسول خدا (ص) دستور می دهد اسم پروردگار خود را تقدیس و تنزیه کند، و از اینکه نفرمود پروردگارت را تنزیه کن، فرمود اسم پروردگارت را تنزیه کن- و ظاهر لفظ" اسم" کلمه ای است که بر مسمی دلالت کند- و کلمه هم جایش در زبان است، می فهمیم که منظور این است که: هر وقت نام پروردگارت را به زبان می آوری نام چیز دیگری از قبیل آلهه و شرکا و شفعا که خدا از آن منزه است با آن کلمه به زبان میار، و نسبت ربوبیت به آنها مده یعنی اموری که از شؤون ربوبیت است و مختص به خدای تعالی است، از قبیل خلقت، ایجاد، رزق، احیاء، اماته، و امثال آن را بغیر خدا نسبت مده.

و یا معنایش این است که: اموری که لایق ساحت مقدس خدای تعالی نیست از قبیل عجز، جهل، ظلم، غفلت و نظائر آن از هر صفت نقص و عیب را به خدا منسوب مکن.

و کوتاه سخن اینکه: تنزیه نام خدا این است که وقتی سخن از خدا می رود باید کلام از ذکر اموری که مناسب با ذکر او نیست خالی باشد، این تنزیه خدا در مرحله زبان و سخن است که باید با تنزیه او در مرحله عمل موافق باشد و لازمه این تنزیه توحید کامل و نفی شرک جلی است، و شرک جلی درست عکس توحید است، و شخص مشرک نه تنها خدای تعالی را منزه از نواقص مذکور نمی داند، بلکه از

شنیـدن نام خدا به تنهایی ناراحت می شود، و دو آیه زیر بر این معنا ناطق است:" وَ إِذا ذُکِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْـمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَ إِذا ذُکِرَ الَّذِیـنَ مِنْ دُونِهِ إِذا هُمْ یَسْتَبْشِرُونَ" «۱»،" وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْـدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبـارِهِمْ نُفُوراً" «۲».

---

(۱) و چون خـدا به تنهایی نامش برده می شود آنهایی که به آخرت ایمان ندارند دلهایشان متنفر می شود، و چون نام خدایانی که به جای خدای تعالی می پرستند برده شود بشاش و خشنود می گردند. سوره زمر، آیه ۴۵.

(۲) و چون نام پروردگارت به تنهایی در قرآن برده می شود از شدت تنفر پشت می کنند و می روند.

سـوره اسـری، آیـه ۴۶.

و در اینکه اسم را اضـافه کرد به کلمه" رب" و رب را اضـافه کرد به کـاف خطاب نکته ای است که بیان قبلی ما را تاییـد می کند، چون معنای آن چنین می شود: منزه بدار نام پروردگارت را که تو او را پروردگار خود گرفته ای، و مردم را به ربوبیت و الوهیت او می خوانی، پس دیگر در کلاـم خود آنجا که نام او را به ربوبیت می بری، نبایـد نام غیر او به طوری ذکر شود که با ربوبیت خدای تعالی که خودش نیز خود را بدان نامیده منافات داشته باشد.

کلمه" الاـعلی"- به معنای کسـی است که بر فراز هر بلنـدی که تصور شود در آمـده، و بر هر چیزی قاهر و چیره باشـد، و این کلمه صـفت" ربـک" است، نه صـفت" اسم"، و همین صـفت حکم آیه را تعلیـل می کنـد، و می فهمانـد که چرا گفـتیم نـام پروردگارت را منزه بدار، برای اینکه او از هر علوی که تصور

شود عالی تر است.

مفسرین در باره این جمله چهار قول دارند:

بعضی «۱» گفته انـد: معنای " سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى " این است که: باید بگویی " سبحان ربی الاعلی "، نقل از ابن عباس. البته این نسبت را هم به وی داده اند که گفته معنایش این است که نماز بخوان.

بعضی «۲» گفته اند: مراد از کلمه " اسم "، مسمی، یعنی خود خدای تعالی است، و معنای آیه این است که: خدا را از هر فعل و صفتی که لایق به ساحت قدس او نیست منزه بدار.

بعضی «۳» گفته اند: منظور از آوردن کلمه " اسم " تعظیم مسمی است، و استشهاد شده به گفته لبید شاعر که گفته است:

" الی الحول ثم اسم السلام علیکما- تا سر یک سال و سپس اسم سلام بر شما دو نفر باد "، یعنی سلام بر شما باد، در اینجا هم معنایش: " سبح ربک الاعلی " است.

و بعضی «۴» گفته انـد: مراد تنزیه اسـمای خدای تعالی است از هر رفتاری که لایق به ساحت قدس او نباشد، مثلا اگر لفظی از اسـمای خـدا عمومی باشـد، هم به خدای تعالی اطلاق شود، هم به غیر او، مانند عالم و قادر و امثال آن، در مورد خدای تعالی آن را تاویـل نکنـد (و بـا اسـمای خـدا بـازی ننمایـد) و اگر لفظی باشـد که معنـای اصـلی و لغـوی آن در مورد خـدای تعـالی

(۱ و ۲ و ۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۴.

(۴) روح المعـــــــــــانی، ج ۳۰، ص ۱۰۲.

صادق نباشـد، کلمه را بر معنای اصـلیش باقی نگـذارد، و آن را تاویل نمایـد مانند " وَ جاءَ رَبُّكَ- پروردگار تو آمد " که حتما باید تاویل شود، و اگر کلمه ای است که جز در

مورد خـدای تعالی اطلاق نمی شود،ماننـد کلمه" اللَّه" بایـد آن را بر غیر خـدای تعالی اطلاق نکنـد، و در جاهای نامناسب از قبیل مستراح آن را به زبان نیاورد، و به همین قیاس رعایت ادب را در باره اسم خدا بنماید.

و لیکن معنایی که ما ارائه دادیم هم عمومی تر و وسیع تر است، و هم با سیاق آیات بعدی که می فرماید:" سَنُقْرِئُکَ فَلا تَنْسی و" نُیَسِّرُکَ لِلْیُسْرِی فَذَکِّرْ" مناسب تر است، چون سیاق این آیـات سیاق تحریک و تشویق به تبلیغ رسالت، و تـذکر دادن و بیدار کردن مردم است، و لذا نخست دستور می دهد که آن جناب کلام خود را اصلاح کند و از هر چیزی که بویی از شرک جلی و یا شرک خفی دارد پاک نمایـد، و اسم پروردگارش را منزه بـدارد، و در مرحله دوم او را وعـده می دهـد به اینکه آن قدر وحی را برایش بخواند که دیگر چیزی از آن را فراموش نکند، و در مرحله سوم وعده اش می دهد که طریقه تبلیغ را بر او آسان سازد، و در آخر دستور می دهد مردم را تذکر دهد و تبلیغ کند، (دقت بفرمایید).

[مظاهر تدبیر الهی: خلقت، تسویه، تقدیر، هدایت و ...]

" الَّذِی خَلَقَ فَسَوَّی"" خلقت هر چیزی" به معنـای گردآوری اجزای آن است، و" تسـویه اش" به معنـای روی هم نهـادن آن اجزا به نحوی است که هر جزئی در جـایی قرار گیرد که جـایی بهتر از آن برایش تصور نشود، و علاوه بر آن جایی قرار گیرد که اثر مطلوب را از هر جای دیگری بهتر بدهد، مثلا در مورد انسان چشم را در جایی و گوش را در جایی و هر

عضو دیگر را در جایی قرار دهد که بهتر از آن تصور نشود، و حقش ادا شود.

و این دو کلمه یعنی" خلقت" و" تسویه" هر چند در آیه شریفه مطلق آمده، لیکن تنها شامل مخلوقاتی می شود که یا در آن ترکیب باشد، و یا شایبه ای از ترکیب داشته باشد، و آیه مورد بحث تا چهار آیه بعد در مقام توصیف تدبیر الهی است، و این خود برهانی است بر ربوبیت مطلقه او.

" وَ الَّذِی قَدَّرَ فَهَدی یعنی آنچه را خلق کرده با اندازه مخصوص و حدود معین خلق کرده، هم در ذاتش و هم در صفاتش و هم در کارش، و نیز آن را با جهازی مجهز کرده که با آن اندازه ها متناسب باشد، و بوسیله همان جهاز او را به سوی آنچه تقدیر کرده هدایت فرموده، پس هر موجودی به سوی آنچه برایش مقدر شده و با هدایتی ربانی و تکوینی در حرکت است، مانند طفل که از ______________________________ صفحه ی ۴۴۲

همان اولین روز تولدش راه پستان مادر را می شناسد، و جوجه کبوتر می داند که باید منقار در دهان مادر و پدرش کند، و هر حیوان نری به سوی ماده اش هدایت و هر ذی نفعی به سوی نفع خود هدایت شده است، و بر همین قیاس هر موجودی به سوی کمال وجودیش هدایت شده.

و خدای تعالی در این معانی فرموده:" وَ إِنْ مِنْ شَیْ ءٍ إِلَّا عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ" «۱» و نیز فرموده:" ثُمَّ السَّبِیلَ یَسَّرَهُ" «۲»، و نیز فرموده:" لِکُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیها" «۳».

" وَ الَّذِی أَخْرَجَ الْمَرْعی کلمه" مرعی" به معنای چرایی است که علف خواران آن را

می چرند، و کسی که آن را از زمین خارج می کند و می روياند همان خدای سبحان است.

" فَجَعَلَهُ غُثاءً أَحْوى کلمه" غثاء" به معنای گياه خار و خاشاکی است که سيل به کنار بيابان می ريزد، و منظور از آن در اينجا- به طوری که گفته اند «۴»- گياه خشکيده است. و کلمه" احوی" به معنای سياه شده است.

و منظور از بيرون کردن مرعی برای آذوقه حيوان و سپس خاشاک سياه کردنش، ارائه نمونه ای از تدبير ربوبی و دلائل ربوبيت خدا است، هم چنان که خلقت و تسويه و تقدير و هدايت نمونه ديگری از آن است.

" سَنُقْرِئُکَ فَلا تَنْسى إِلَّا ما شاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ ما يَخْفى راغب در مفردات گفته کلمه" قرائت" به معنای ضميمه کردن حروف برای به وجود آوردن کلمه، و رديف کردن کلمات برای به وجود آوردن جمله است در حال خواندن، پس اين ماده در هر ضميمه کردنی استعمال نمی شود، مثلا وقتی می خواهی بفهمانی من مردم محل را گردهم جمع کردم، نمی توانی بگويی:" قرات القوم"، و باز به همين دليل به يک حرف که از دهان در آيد قرائت گفته نمی شود «۵».

[معنای" اقراء" در" سَنُقْرِئُکَ فَلا تَنْسى و مفاد استثناء" إِلَّا ما شاءَ اللَّهُ ..."]

و در مجمع البيان گفته کلمه" اقراء" که فعل" نقرئک" مشتق از آن است به معنای ______________________

(۱) و هيچ چيز نيست مگر آنکه خزينه هايش نزد ما است، و ما نازلش نمی کنيم مگر به اندازه ای معلوم. سوره حجر، آيه ۲۱.

(۲) سپس راه را برايش آسان و فراهم کرد، سوره عبس، آيه ۲۰.

(۳) برای هر يک هدفی است که بدان سو روان است. سوره بقره،

آیه ۱۴۸.

(۴) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۰۴.

(۵) مفردات راغب ، ماده "قرأ".

تحویل گرفتن قرائت قاری است، به منظور غلط گیری و تصحیح قرائت وی، و قاری به معنای خود خواننده است «۱».

البته باید توجه داشت که در مورد بحث که می فرماید ما به زودی تو را اقراء می کنیم، به معنای اقرای معمول در بین خود افراد معلولی نیست، که استاد گوش بدهد و غلطهای شاگرد را تصحیح کند، و یا جایی که خوب نخوانده خوب خواندن را به او بیاموزد، چون چنین چیزی از رسول خدا (ص) سابقه نداشته، و معهود نیست که چیزی از قرآن را خوانده باشد، و چون به علت فراموشی خوب نخوانده و یا به غلط خوانده، خدای تعالی فرموده باشد تو بخوان و من گوش می دهم، تا درست خواندن را به تو یاد دهم، بلکه منظور از اقراء در خصوص مورد، این است که ما چنین قدرتی به تو می دهیم که درست بخوانی و خوب بخوانی، و آن طور که نازل شده و بدون کم و کاست و غلط و تحریف بخوانی، و خلاصه آنچه را که نازل شده فراموش نکنی.

و جمله "سَنُقْرِئُكَ فَلا تَنْسى وعده ای است از خدای تعالی به پیامبرش، به اینکه علم به قرآن و حفظ قرآن را در اختیارش بگذارد، به طوری که قرآن را آن طور که نازل شده همواره حافظ باشد، و هرگز دچار نسیان نگردد، و همانطور که نازل شده قرائتش کند، و ملاک در تبلیغ رسالت و وحی به همانطور که وحی شده همین است.

و جمله "إِلَّا ما شاءَ اللَّهُ" استثنایی است که تنها به منظور بقای قدرت

الهی بر اطلاقش آورده شده، می خواهد بفهماند چنین نیست که خدای تعالی بعد از دادن چنین عطیه ای دیگر قادر نباشد تو را گرفتار فراموشی کند، نه، بعد از اعطاء هم باز به قدرت مطلقه خود باقی است، و این استثنایی نظیر استثنایی است که در آیه شریفه:" وَ أَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خالِدِينَ فِيها ما دامَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا ما شاءَ رَبُّكَ عَطاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ" «۲» می باشد، که توضیحش در همان سوره گذشت.

پس در این استثنا نمی خواهد بعضی از مصادیق نسیان را از عموم" لا تنسی" خارج کند و بفرماید به زودی علم قرآن را به تو می دهیم به طوری که هیچ چیز از قرآن را فراموش نکنی، مگر آنچه را که او خواسته است فراموش کنی، برای اینکه اگر معنا چنین باشد اختصاص به رسول خدا (ص) ندارد، همه مردم اینطورند، و از هر چیزی و

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۴.

(۲) و اما کسانی که سعادت داده شده اند در بهشتند، در حالی که جاودان در آنند، ما دام که آسمان و زمین بر جا است، مگر آنچه که پروردگارت بخواهد، عطایی غیر مقطوع. سوره هود، آیه ۱۰۸.

هر محفوظی آن مقداری را فراموش می کنند که خدا خواسته باشد، و از اشیا مقداری را حفظ می کنند و مقداری را فراموش می نمایند، پس این چه منتی است که بر شخص رسول خدا (ص) نهاده؟ با اینکه عطیه، عطیه ای است عمومی و مشترک بین آن جناب و عموم مردم. پس وجه درست همان است که ما بیان کردیم.

و آیه شریفه با سیاقی که دارد خالی از تایید گفتار بعضی «۱» از مفسرین

نیست که گفته اند: رسول خدا (ص) هر وقت جبرئیل بر او نازل می شد قرآن را می خواند تا مبادا چیزی از آن را فراموش کرده باشد، به طوری که هیچ گاه نمی شد که جبرئیل وحی را به آخر برساند، و آن جناب شروع به خواندن از اولش نکرده باشد، ولی همین که این آیه نازل شد رسول خدا (ص) از این دلواپسی در آمد، و چیزی را فراموش نکرد.

و این معنا به ذهن نزدیک می رسد که بگوییم آیه شریفه مورد بحث یعنی آیه" سَنُقْرِئُکَ فَلا تَنْسی قبل از آیه" لا تُحَرِّکْ بِهِ لِسانَکَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَیْنا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ فَإِذا قَرَأْناهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا بَیانَهُ" «۲»، و این آیه قبل از آیه" وَ لا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ یُقْضی إِلَیْکَ وَحْیُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِی عِلْماً" «۳»، نازل شده باشد.

" إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ ما یَخْفی - کلمه" جهر" به معنای ظهور هر چیزی در حد کمال برای حاسه ای از حواس آدمی است، یا حاسه باصره که در آیه" فَقالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً" «۴»، به این معنا آمده. و یا حاسه سامعه که در آیه" إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ" «۵»، منظور شده است، این بود معنای جهر. و اما در آیه مورد بحث که سخنی از دیدن و شنیدن نرفته منظور مطلق هر چیزی است که برای ادراک ظاهر باشد، به قرینه مقابل آن یعنی جمله" و ما یخفی" که آن را نیز مقید به سمع و بصر نکرده.

و این جمله در مقام تعلیل برای مضمون جمله" سَنُقْرِئُکَ فَلا تَنْسی است، و معنایش ______________________

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص

.۴۷۵

(۲) زبانت را از شتابزدگی بخواندن قرآن حرکت مده، که جمع قرآن به عهده ما است، همین که ما آن را خواندیم تو دنبال ما بخوان، و آن گاه بیانش را هم خود ما شرح می دهیم. سوره قیامت، آیات ۱۶- ۱۹.

(۳) به قرآن عجله مکن و قبل از تمام شدن وحیش به سوی تو آن را مخوان، و بگو پروردگارا علمم را بیشتر کن. سوره طه، آیه ۱۱۴.

(۴) خدا را در کمال هویدایی نشان ما بده. سوره نساء، آیه ۱۵۳.

(۵) او سخن جهر و فاش را می داند. سوره انبیاء، آیه ۱۱۰.

این است که ما به زودی خاطرت را در تلقی وحی و حفظ آن آسوده می کنیم، به علت اینکه ما هم به ظاهر اشیا آگهی داریم، و هم به باطن آنها، در مورد تو نیز هم از ظاهر حالت خبر داریم و هم از باطنت، و می دانیم که در دل چقدر اهتمام به امر وحی داری، و تا چه حد بر اطاعت پروردگارت در آنچه دستورت می دهد حریصی.

و در جمله" إِلَّا ما شاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ ..." التفاتی از تکلم مع الغیر" ما به زودی چنین و چنان می کنیم" به غیبت (مگر آنچه خدا بخواهد)، بکار رفته، و نکته آن اشاره به حجت و دلیل استثنا است، می فهماند که اگر گفتیم ما که به پیامبر (ص) علم و حفظ قرآن را افاضه می کنیم، قدرت بر خلاف آن را از خود سلب نمی کنیم، علتش این است که خدای تعالی مستجمع جمیع صفات کمال است، که یکی از آنها قدرت مطلقه است، و عین این علت در جمله" انه یعلم" نیز جریان دارد، یعنی

اگر در آن هم التفات بکار رفته برای اشاره به علت مذکور است.

[معنای اینکه خطاب به پیامبر (صلّی الله علیه وآله وسلّم) فرمود:" وَ نُیَسِّرُکَ لِلْیُسْری تو را برای یسری آسان می کنیم" و نکته ای که این تعبیر متضمن است

" وَ نُیَسِّرُکَ لِلْیُسْری کلمه" یسری" مؤنث" ایسر" است، و مصدر" تیسیر" که فعل" نیسر" از آن مشتق شده به معنای آسان کردن است، و در این جمله کلمه" یسری" صفتی است که در جای موصوف محذوف خود نشسته، تقدیر کلام" و نیسرك للطریقه الیسری" است، می فرماید ما تو را آن چنان رهنمون می شویم که همواره برای دعوت و تبلیغ زبانی و عملیت آسان ترین طرق را اتخاذ کنی، عده ای را هدایت کنی، و عده ای دیگر را اتمام حجت نمایی، و در برابر آزارشان صبر کنی.

مقتضای ظاهر کلام این بود که بفرماید:" و نیسر لك الیسری" طریقه آسان را برای تو فراهم می کنیم، هم چنان که موسی (ع) در دعایش گفت:" وَ یَسِّرْ لِی أَمْرِی" «۱»، نه اینکه بفرماید تو را برای یسری آسان می کنیم، حال باید دید چرا اینطور تعبیر کرد؟ در جواب می گوییم: در آیه شریفه سخن از این معنا رفته که نفس شریف پیامبر (ص) را مجهز به الهامهایی می کند که بتواند وظیفه رسالت خود را به آسانی و به بهترین طریق انجام دهد، اگر فرموده بود:" و نیسر لك الیسری" نفس شریف رسول خدا (ص) را در این موهبت هیچکاره معرفی کرده بود، و با دگرگون کردن تعبیر فهمانده که کاری می کنیم که خود تو بهترین طریقه را انتخاب کنی.

---

(۱) امر مرا برای من آسان کن. سوره طه، آیه ۲۶.

علاوه بر این اگر اینطور که گفتیم تعبیر آورده بود نوعی تحصیل حاصل مرتکب شده بود، برای اینکه معنایش چنین می شد:" ما آسان را برای تو آسان می کنیم"، آن وقت اشکال تحصیل حاصل و اینکه آسان کردن آسان معنا ندارد، جوابی نداشت.

پس مراد از آسان کردن، آسان کردن خود رسول خدا (ص) است، و منظور این است که فطرت آن جناب را آن چنان صاف کند، که جز طریقه آسان را انتخاب نکند، طریقه ای را که همان طریقه فطرت است از سایر طرق تشخیص دهد، پس آیه شریفه در معنای آیه زیر است که از موسی حکایت می کند که گفت" حَقِيقٌ عَلى أَنْ لا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ " «۱».

[سبب و مفاد اینکه امر به تذکر دادن را مشروط نمود به اینکه: اگر تذکر سود به بخشد (فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرى]

" فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرى این آیه شریفه به دلیل اینکه حرف" فاء" بر سرش آمده، نتیجه گیری از مطالب قبل است که رسول خدا (ص) را دستور می داد تا نام پروردگارش را منزه بدارد، و وعده اش می داد که وحی را آن قدر اقراء کند که به هیچ وجه فراموشش نکند، و فطرتش را آن قدر صاف کند که طریقه سهل را از میان همه طریقه ها تشخیص دهد، و همه اینها از شرایط ضروری یک دعوت دینی است، و دعوت دینی بدون آنها به ثمر نمی رسد و مؤثر واقع نمی شود.

و معنای آیه مورد بحث با در نظر داشتن این مطالب چنین می شود: حال که همه وسایل امتثال امر خود را برایت فراهم نمودیم و تو را اقراء کردیم تا فراموش نکنی، و تشخیص

طریقه سهل را برایت فراهم ساختیم، پس تو هم هر جا که دیدی تذکر ثمربخش است تذکر بده.

در این جمله امر به تـذکره را مشـروط کرده به موردی که تشـخیص دهـد، تـذکره سودمند است، و این شـرطی است بر اساس حقیقت، چون وقتی تشـخیص دهـد تـذکره سودی نـدارد کـار لغوی (نظیر ایجـاد قنات با آب دستی) می شود، و خـدای تعالی أجل از آن است که رسول گرامی خود را امر کنـد به اینکه کار بیهوده کنـد، پس تذکره در موردی باید اسـتعمال شود که در خود طرف زمینه ای برای تـذکر باشد که در این مورد تذکره در نوبت اول دل او را متمایل به حق می سازد و قهرا تذکره نافع واقع می شود، و همچنین در نوبت هـای بعـدی هم تمایـل او را بیشتر می سازد، هم چنان که فرمود:" سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشى و در مـوردی که طرف هیـچ زمینه ای برای نرم شـدن دل نـدارد، نـوبت اول حجت را بر او تمـام می کنـد، این نیز نـافع است، چون

(۱) ســـــزاوار اســـــت بر اینکـــــه بـــــه خـــــدا نســـــبت نـــــدهم مگر حـــــق را. ســـــوره اعراف، آیـــــه ۱۰۵.

بـاعث می شود طرف از حق دوری کنـد، هم چنـان که فرمود:" وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى" و اما تـذکره نوبت دوم او به خاطر اینکه نه خاصیت نرم کردن دل دارد، و نه اثر اتمام حجت، کاری لغو خواهد بود، و به همین جهت در اینجا فرمان خود را مشروط کرد به صورتی که تذکره مفید باشد، و در آیه زیر صریحا فرموده:" فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَياةَ الدُّنْيا" «۱».

بعضی «۲» از مفسرین گفته اند: این شرط صوری

است نه حقیقی، می خواهد بفرماید تذکره همیشه نافع است، در بعضی موارد باعث اطاعت بیشتر، و در بعضی دوری از معصیت می شود، هم چنان که خود ما به طرف مقابل بگوییم از فلانی بپرس اگر پرسیدن فایده دارد، و به همین جهت بعضی «۳» ها گفته اند: کلمه" ان" در آیه شریفه به معنای معروفش" اگر" نیست، بلکه به معنای" قد- به تحقیق" است، و بعضی «۴» دیگر گفته اند: به معنای" اذ- زیرا" است، می فرماید تذکر بده زیرا تذکر نافع است.

ولی این حرف صحیح نیست، برای اینکه می بینیم که تذکر همه جا و حتی در مورد معاندین که حجت بر آنان تمام شده نافع نیست، و چگونه می توان چنین ادعایی کرد با اینکه قرآن در باره آن دسته از مردم فرموده:" سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ خَتَمَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ عَلى سَمْعِهِمْ وَ عَلى أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ" «۵».

بعضی «۶» دیگر گفته اند: در کلام به منظور اختصار گویی چیزی حذف شده، و تقدیر کلام این است:" فذکر ان نفعت الذکری و ان لم تنفع- تو تذکر بده چه تذکرت سود داشته باشد و چه نداشته باشد"، و بر گفته خود چنین استدلال کرده اند که رسول خدا (ص) برای تذکره مبعوث شده، تا عذر برای احدی باقی نگذارد، او مقید به نافع بودن تذکره نیست، رسالت خود را انجام می دهد چه نافع باشد و چه نباشد، و در حقیقت آیه مورد بحث با جمله حذف شده اش نظیر آیه" وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ" «۷» می باشد که

---

(۱) از کسی که از ذکر ما روی گردان است و جز حیات دنیا را نمی خواهد اعراض کن.

سوره نجم، آیه ۲۹.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۴.

(۳ و ۴) تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص ۲۰.

(۵) برای آنان هیچ تفاوتی نمی کند چه انذارشان بکنی و چه نکنی ایمان نخواهند آورد، خدای تعالی بر دلهایشان مهر زده، و بر گوش و چشمشان پرده افتاده است. سوره بقره، آیه ۷.

(۶) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۵.

(۷) و برای شما پیراهن هایی درست کرد تا از گرما حفظتان کند. سوره نحل، آیه ۸۱.

تقدیرش "الحر و البرد- گرما و سرما" است.

این وجه هم درست نیست، برای اینکه قبول نداریم که آن جناب موظف به تذکره بوده، چه در مواردی که نافع باشد و چه آنجا که نباشد.

بعضی «۱» دیگر گفته اند: شرط (اگر سودمند باشد) را برای این آورده که اشاره کند به اینکه نافع واقع شدن تذکر در دل نامبردگان، امر بعیدی است، و این یک پیشگویی است در مورد آنان، گویا فرموده تو وظیفه خودت را انجام بده، که اجرت را می بری، هر چند که بعید است در آنان مؤثر افتد.

این وجه هم درست نیست، به دلیل اینکه دنبال آیه بلافاصله می فرماید:" سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشى و با اینکه خودش می فرماید افراد بیمناک از آخرت به زودی متذکر می شوند، چگونه ممکن است بفرماید: تذکر بده هر چند بعید است که مفید واقع شود؟!" سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشى یعنی به زودی افرادی که در قلب چیزی از خشیت خدا و ترس از عقاب او دارند بوسیله قرآن متذکر شده، اندرز می گیرند.

" وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى" ضمیر" هاء" به کلمه" ذکری" بر می گردد، و منظور از کلمه" اشقی" به قرینه مقابله اش با جمله" من يخشی" کسی است

که در دل هیچ دلواپسی و خشیتی از عذاب خدا نداشته باشد، و اما فعل" یتجنب" از مصدر تجنب است که به معنای دور شدن از چیزی است.

و معنای آیه این است که: به زودی همانطور که" من یخشی" از تذکره تو متذکر می شود" اشقی" هم که از خدا نمی ترسد از تذکره تو دور می گردد.

" الَّذِی یَصْلَی النَّارَ الْکُبْری از ظاهر آیه بر می آید که مراد از" آتش کبری" آتش دوزخ باشد، که معلوم است در مقایسه با آتش دنیا آتشی است بزرگتر و سوزنده تر.

ولی بعضی «۲» گفته اند: مراد از آن، پایین ترین درکات دوزخ است که عذابش از هر جای دیگر دوزخ سخت تر است.

---

(۱) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۰۸.

(۲) تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص ۲۱.

" ثُمَّ لا یَمُوتُ فِیها وَ لا یَحْیی کلمه" ثم" که برای تاخر چیزی از چیز دیگر استعمال می شود، در اینجا برای تاخر رتبی کلام است، و مراد از" نمردن و زنده نشدن در آتش" این است که: بفهماند تا ابد کسی از آن نجات نمی یابد، چون نجات به معنای قطع شدن عذاب به یکی از دو راه است، یا اینکه شخص معذب بمیرد و هستیش فانی شود، و یا زندگی شقا و بدبختیش را مبدل به سعادت و عذابش را مبدل براحتی کند. پس منظور از حیات در خصوص این آیه حیات طیبه و سعادتمندانه است، و آیه شریفه نظیر تعبیری است که خود ما در باره بیمارمان می گوییم نه زنده است که آدم امیدی به وی داشته باشد، و نه مرده که امیدش قطع شود و فراموش گردد.

[معنای اینکه شقی دوزخی در آتش

نه می میرد و نه زنده می شود، و مراد از تزکی در:" قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّی"]

" قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّی وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی" کلمه" تزکی" به معنای در پی پاک شدن است، و در اینجا منظور پاک شدن از لوث تعلقات مادی دنیوی است که آدمی را از امر آخرت منصرف و مشغول می کند به دلیل اینکه دنبالش فرموده:" بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا ..." و نیز منظور از تزکی برگشتن به خدای تعالی و توبه کردن است، چون یکی از وسایل که دل انسان را از فرورفتگی در مادیات حفظ می کند توبه است، و نیز انفاق در راه خدا است که باز دل را از لوث تعلقات مالی پاک می کند، و حتی اگر دستور داده اند، در حقیقت خواسته اند طهارت از قذارتهایی که صورت و دست و پای انسان در اشتغال به امور دنیا به خود می گیرد مجسم و ممثل کرده باشند.

" وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی"- ظاهرا مراد از" ذکر نام خدا"، ذکر زبانی و مراد از" صلاه" همان نماز معمولی و توجه خاص عبودی است که در اسلام تشریع شده.

و این دو آیه به حسب ظاهر مدلولی که دارند نسبت به همه مصادیق طهارت که برایت شمردیم عمومیت دارد، ولی از نظر روایات وارده از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) تنها در باره زکات فطره و نماز عید نازل شده، روایات وارده از طرق اهل سنت هم همین را می گوید.

" بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا" مصدر" ایثار" که فعل" تؤثرون" از آن مشتق است به معنای برگزیدن و انتخاب کردن و ترجیح دادن است. در این آیه از مطلب قبلی اعراض و خطاب را

به عموم بشر نموده، می فرماید حقیقت همان است که گفتیم که رستگاری در تزکی و یاد پروردگار است، و لیکن شما انسانها در پی پاک شدن نیستید، و بر اساس دعوتی که طبع بشری شما دارد شما را به تعلق تام به دنیا و اشتغال به تعمیر آن و ترجیح آن بر زندگی آخرت می خوانند.

بعضی«۱» از مفسرین گفته اند: خطاب در آیه به خصوص کفار است، و به هر حال چه به عموم بشر باشد و چه به خصوص کفار، سیاق کلام، سیاق عتاب است، و التفات از غیبت (هر کس تزکی کند رستگار می شود) به خطاب (شما چنین و چنان می کنید) برای تاکید به مطلب، و رو در رو سخن گفتن است.

" وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقى کلمه" ابقی- باقی تر" معمولا در مقایسه بین دو چیز استعمال می شود که عمر یکی بلندتر از دیگری باشد، می گویند این باقی تر و با دوام تر است، و زندگی آخرت چنین نیست که از زندگی دنیا با دوام تر باشد، بلکه زندگی آخرت الی الابد باقی است، پس این سؤال پیش می آید که چرا در این آیه فرموده زندگی آخرت باقی تر و بهتر است. جواب این است که:

مقام آیه مقام ترجیح دادن یکی از دو زندگی دنیا و آخرت بر دیگری است، و در این ترجیح همین مقدار کافی است که آخرت خوب تر و باقی تر نسبت به دنیا باشد، و برای ترجیح لازم نیست که زندگی آخرت ابدی هم باشد، هر چند که ابدی و باقی هم هست.

" إِنَّ هذا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولى صُحُفِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى کلمه" هذا" اشاره است به مطلبی که از آیه"

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى" تا تمام چهار آیه بیان می کرد، می فرماید آنچه گفته شد در صحف اولی هم گفته بودیم.

ولی بعضی «۲» از مفسرین گفته اند کلمه مذکور اشاره است به مضمون آیه اخری که می فرمود:" آخرت بهتر و باقی تر است".

بعضی «۳» از مفسرین در این آیه گفته اند قرآن کریم نخست فرموده این مطالب در صحف اولی بود، و بعد آن را بیان نموده، می فرماید: منظورم صحف ابراهیم و موسی است، و اینکه این اجمال و تفصیل احترام و بزرگداشتی از آن صحف است بر کسی پوشیده نیست.

بحث روایتی [(روایاتی در ذیل آیات:" سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی"،" سَنُقْرِئُکَ فَلا تَنْسی ،" قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَکَّی" و در باره صحف اولی)]

در تفسیر عیاشی از عقبه بن عامر جهنی روایت آورده که گفت: وقتی آیه" فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِیمِ" نازل شد، رسول خدا (ص) فرمود: این ذکر را در

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۶.

(۲ و ۳) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۱۱.

رکوع خود بگویید، و چون آیه" سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی" نازل شد فرمود: این ذکر را در سجده خود بگویید «۱».

مؤلف: این روایت را سیوطی هم در الدر المنثور از احمد و ابی داوود و ابن ماجه و ابن منذر و ابن مردویه، از عقبه از آن جناب نقل کرده است «۲».

و در تفسیر قمی فرموده:" سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی" یعنی بگو" سبحان ربی الاعلی" و در ذیل آیه" الَّذِی خَلَقَ فَسَوَّی وَ الَّذِی قَدَّرَ فَهَدی فرموده: مقدر فرموده اشیاء را با تقدیر اول، سپس هدایت کرده بسویش هر که را می خواهد «۳».

و در تفسیر قمی در ذیل آیه شریفه" وَ الَّذِی

أَخْرَجَ الْمَرْعى آمده كه منظور از مرعى نبات است، و منظور از جمله" غُثاءً أَحْوى اين است كه همان نبات بعد از رسيدن به حد بلوغش خشك و سياه مى شود «۴».

و در الدر المنثور آمده كه ابن مردويه از ابن عباس روايت كرده كه گفت: رسول خدا (ص) دائما قرآن را بياد مى آورد، از ترس اينكه مبادا فراموشش كند، تا آنكه به او وعده دادند كه ما حل اين مشكلت را عهده دار شديم، و اين آيه نازل شد:" سنقرئك فلا تنسى" «۵».

و در كتاب فقيه آمده كه شخصى از امام صادق (ع) پرسيد معناى آيه" قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى" چيست؟ فرمود: اين است كه هر كس زكات فطره بدهد رستگار مى شود.

پرسيد معناى آيه" وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى" چيست؟ فرمود اين است كه (براى نماز عيد) به سوى" جبانه" برود و نماز بخواند «۶» و منظور از جبانه، صحرا است.

اين معنا از حماد از جرير از ابو بصير و زراره از آن جناب نيز نقل شده «۷». و قمى آن را بدون ذكر سند و بدون نام آن جناب بلكه به تعبير" از آن جناب" آورده است «۸».

و در الدر المنثور است كه ابن مردويه از ابو سعيد خدرى روايت كرده كه گفت:

---

(۱) نور الثقلين، ج ۵، ص ۵۵۴ به نقل از عياشى.

(۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۳۸.

(۳ و ۴) تفسير قمى، ج ۲، ص ۴۱۶.

(۵) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۳۹.

(۶) فقيه، ج ۱، ص ۳۲۳.

(۷) فقيه، ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۲۵.

(۸) تفسير قمى، ج ۲، ص ۴۱۷.

رسول خدا (ص) همواره در روزهاى عيد فطر قبل از

رفتن به مصلی فطره را تقسیم می کرد و این آیه را می خواند:" قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى " «۱».

مؤلف: و نیز در این معنا که دو آیه مورد بحث درباره زکات فطره و نماز عید نازل شد به دو طریق از ابو سعید روایت شده، البته روایتی موقوف به این معنی که نام معصوم در آن ذکر نشده است. و همچنین به دو طریق از ابن عمر، و به دو طریق از نائله بن أصقع، و به دو طریق از ابی العالیه، و به دو طریق از عطاء، و به دو طریق از محمد بن سیرین، و به دو طریق از ابراهیم نخعی روایت آورده، و همچنین از عمرو بن عوف از رسول خدا (ص) روایت کرده «۲».

و در خصال از عتبه بن عمرو لیثی از ابو ذر روایت کرده که در ضمن حدیثی گفت از رسول خدا (ص) پرسیدم: یا رسول اللَّه (ص) از آنچه خدای تعالی درباره دنیا بر تو نازل کرده کدامش در صحف ابراهیم و موسی بوده، فرمود:

ای أبا ذر بخوان" قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقى إِنَّ هذا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولى صُحُفِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى ، و خلاصه آنچه در صحف ابراهیم و موسی بوده مضمون همین چهار آیه قبل بوده که می فرماید:" هر کس زکات دهد و نماز بخواند رستگار شده است، ولی شما مردم زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهید، با اینکه آخرت بهتر و باقی تر است" «۳».

مؤلف: همین حدیث مؤید گفته ما است، که گفتیم کلمه" هذا" اشاره است به مجموع

چهار آیه.

و در بصائر به سند خود از ابو بصیر روایت کرده که گفت: امام صادق (ع) فرمود آن صحفی که خدای تعالی در آیه" صُحُفِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی نام می برد، نزد ما است، پرسید: آیا صحف نامبرده به صورت الواح است؟ فرمود: آری «۴».

مؤلف: این روایت را به طریقی دیگر از ابو بصیر از آن جناب نقل کرده «۵». و ظاهرا مراد از ألواح بودن صحف این باشد که صحف نامبرده همان تورات باشد که قرآن کریم در چند جا از آن تعبیر به الواح کرده نظیر آیه" وَ کَتَبْنا لَهُ فِی الْأَلْواحِ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ" «۶»، و نیز آیه ______________________

(۱ و ۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۴۰.

(۳) خصال، ج ۲، ص ۵۲۵.

(۴ و ۵) بصائر الدرجات، ص ۱۳۶، ح ۵، و ص ۱۳۷، ح ۸.

(۶) برای موسی در الواح از هر چیزی مقداری رای نوشتیم. سوره اعراف، آیه ۱۴۵.

" وَ أَلْقَی الْأَلْواحَ" «۱»، و آیه" أَخَذَ الْأَلْواحَ" «۲».

و در مجمع البیان است که از ابو ذر روایت شده که گفت: به رسول خدا (ص) عرضه داشتم: یا رسول اللَّه (ص) انبیاء چند تن بودند؟

فرمود: صد و بیست و چهار هزار تن، عرضه داشتم مرسلین از آنان چند تن بودند؟ فرمود سیصد و سیزده تن، و بقیه آنان انبیاء بودند. پرسیدم: آدم نبی بود؟ فرمود: آری خداوند با وی سخن گفت و او را به دست قدرت خود بیافرید.

ای أبا ذر! چهار تن از انبیا، عرب بودند هود و صالح و شعیب، و پیامبر خودت. عرضه داشتم یا رسول اللَّه خدای تعالی چند کتاب نازل کرده؟ فرمود: صد و

چهار کتاب، که ده صحیفه از آن بر آدم، و پنجاه صحیفه بر شیث، و سی صحیفه بر اخنوخ، که همان ادریس است، و او اولین کسی است که با قلم خط نوشت، و ده صحیفه بر ابراهیم، و چهار صحیفه باقی تورات و انجیل و زبور و فرقان است «۳».

مؤلف: این معنا را سیوطی هم در الدر المنثور از عبد بن حمید، و ابن مردویه و ابن عساکر، از ابو ذر نقل کرده، با این تفاوت که در نقل آنان صحف آدم را نشمرده، و به جایش قبل از ذکر تورات ده صحیفه برای موسی شمرده است «۴».

---

(۱) سوره اعراف، آیه ۱۵۰.

(۲) سوره اعراف، آیه ۱۵۴.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۶.

(۴) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۴۱.

تفسیر نمونه

سوره اعلی

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۱۹ آیه است

محتوای سوره ((اعلی)) و فضیلت آن

این سوره در حقیقت از دو بخش تشکیل یافته ، بخشی که در آن روی سخن به شخص پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) است و دستوراتی را در زمینه تسبیح پروردگار، و ادای رسالت ، به او می دهد، و اوصاف هفتگانه ای از خداوند بزرگ در این رابطه می شمرد.

و بخش دیگری که از مؤ منان خاشع ، و کافران شقی ، سخن به می آورد، و عوامل سعادت و شقاوت این دو گروه را به طور فشرده در این بخش بیان می کند.

و در پایان سوره اعلام می دارد که این مطالب تنها در قرآن مجید نیامده است ، بلکه حقایقی است که در کتب و صحف پیشین ، صحف ابراهیم و موسی

، نیز بر آن تاءکید شده است .

در فضیلت تلاوت این سوره روایات فراوانی رسیده : از جمله در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم : من قرئها اعطاه الله عشر حسنات بعدد کل حرف انزل الله علی ابراهیم و موسی و محمد (صلوات الله علیهم):

((هر کسی سوره اعلی را بخواند خداوند به عدد هر حرفی که بر ابراهیم (علیه السلام) و موسی (علیه السلام) و محمد (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نازل کرده ده حسنه به او عطا می فرماید)). <۱>

و در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم : من قراء سبح اسم ربک الاعلی فی فرائضه او نوافله قیل له یوم القیامه ادخل الجنه من ای ابواب الجنه شئت ان شاءالله !

((کسی که سوره اعلی را در فرائض یا نوافل خود بخواند، روز قیامت به او گفته می شود: از هر یک از درهای بهشت می خواهی وارد شو ان شاء - الله)). <۲>

در روایات متعددی نیز آمده است هنگامی که پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) یا ائمه هدی (علیهم السلام) آیه ((سبح اسم ربک الاعلی)) را می خواندند بعد از آن به این دستور عمل کرده می فرمودند سبحان ربی الاعلی . <۳>

و در روایت دیگری آمده که یکی از یاران علی (علیه السلام) می گوید: بیست شب پشت سر آن حضرت نماز خواندم جز سوره سبح اسم ربک الاعلی را در نماز نمی خواند، و می فرمود اگر می دانستید چه برکاتی

در آن است هر یک از شما در هر روز ده بار آن را تلاوت می کردید، و هر کس آن را بخواند گویی کتب و صحف موسی و ابراهیم را تلاوت کرده است . <۴>

خلاصه از مجموعه روایاتی که در این زمینه رسیده استفاده می شود که این سوره از اهمیت خاصی برخوردار است ، تا آنجا که در حدیثی از علی (علیه السلام) می خوانیم : این سوره محبوب پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) بود کان رسول الله (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) یحب هذه السوره سبح اسم ربک الاعلی . <۵>

در اینکه آیا این سوره در مکه نازل شده یا در مدینه ؟ در میان مفسران گفتگو است مشهور آن است که این سوره در مکه نازل شده است ، در حالی که بعضی معتقدند که مدنی است .

علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) ترجیح می دهد که قسمت اول سوره مکی باشد، و ذیل سوره مدنی ، چرا که در آن سخن از نماز و زکات است و طبق

تفسیری که از ائمه اهل بیت (علیه السلام) رسیده منظور ((نماز عید فطر)) و ((زکات فطره)) است ، و می دانیم روزه ماه مبارک و نماز عید و زکات فطره در مدینه نازل شده است . <۶>

ولی این احتمال وجود دارد که دستور به نماز و زکات در بخش آخر این سوره یک دستور عام باشد هر چند نماز عید فطر و زکات فطره یکی از مصادیق روشن آن محسوب می شود، و می دانیم تفسیر به مصداق

روشن در روایات اهل بیت (علیه السلام) بسیار فراوان است .

بنابراین نظر مشهور که می گویند تمام سوره مکی است بعید به نظر نمی رسد، به خصوص اینکه آیات آغاز و پایان سوره کاملا از نظر مقاطع حروف هماهنگ است ، و مشکل بتوان گفت قسمتی در مکه و قسمتی در مدینه نازل شده در روایتی نیز آمده است که هر گروهی از مسلمانان وارد مدینه می شدند این سوره را برای مردم مدینه می خواندند. <۷>

و این احتمال که فقط صدر آن خوانده می شد و ذیل آن در مدینه نازل شده بسیار بعید است .

تفسیر :

خداوند بزرگ را تسبیح گوی

این سوره که در حقیقت عصاره مکتب انبیا و دعوت پیامبران از تسبیح و تقدیس پروردگار شروع می شود در آغاز روی سخن را به پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) کرده می فرماید: ((نام پروردگار بلند مرتبه ات را از هر عیب و نقص پاک بشمر)) (سبح اسم ربک الاعلی)

جمعی از مفسران معتقدند که منظور از ((اسم)) در اینجا ((مسمی)) است ، در حالی که جمعی گفته اند منظور خود نام پروردگار است ، البته نامی که دلالت بر مسمی می کند، و میان این دو تفسیر تفاوت چندانی نیست و به هر حال منظور این است که نام خداوند در ردیف نام بتها قرار داده نشود، و ذات پاک او را از هر گونه عیب و نقص ، و صفات مخلوقها و عوارض جسم و جسمانیت ، و هر گونه محدودیت و نقصان منزه بشمریم ، نه همچون بت پرستان که نام او

را در کنار نام بتهای خود قرار می دهند، یا کسانی که او را جسم و جسمانی می شمرند.

تعبیر به ((اعلی)) بیـانگر این حقیقت است که او از هر کس و هر چیز و و هر چه تصور کنیم ، و هر خیـال و قیـاس و گمـان و وهم ، و هر گونه شرک جلی و خفی برتر و بالاتر است .

تعبیر به ((ربـک)) (پروردگـارت) اشـاره به این است که پروردگـاری که تو مردم را به سوی او می خوانی از پروردگـار بت پرستان جدا است .

و بعـد از این دو توصـیف (رب و اعلی) در توضـیح آن پنـج وصـف دیگر را بیـان می کنـد که همگی شـرح ربـوبیت اعلای پروردگار است ، می فرماید: ((همان خداوندی که آفرید و مرتب و منظم کرد)) (الذی خلق فسوی).

((سوی)) از ماده تسویه به معنی نظام بخشـیدن و مرتب نمودن است و مفهوم گسترده ای دارد که تمام نظامات جهان را شامل می شود، اعم از نظامـاتی که بر منظومه هـا و کواکب آسـمان حـاکم است ، و یا آنچه بر مخلوقات زمینی ، مخصوصا انسان از نظر جسم و جان ، و اینکه بعضـی از مفسـران آن را تنها به نظام خاص دست و پا و چشمهای انسان ، و یا راست قامت بودن او تفسیر کرده اند در حقیقت بیان مصداق محدودی از این مفهوم وسیع است .

و به هر حال نظام عالم آفرینش که از بزرگترین منظومه های آسـمانی را شامل می شود تا موضوعات سادهای همچون خطوط سر انگشتهای انسان که در سوره قیامت به آن اشاره شده

بلی قادرین علی ان نسوی بنانه (قیامت ۴) شاهد گویایی بر ربوبیت او، و اثبات وجود پروردگار است ، و در این تعبیر کوتاه یک دنیا مطلب نهفته است .

بعد از مساءله آفرینش و نظم بندی خلقت ، به موضوع برنامه ریزی برای حرکت کمالی ، و هدایت موجودات در این مسیر، پرداخته ، می افزاید: ((همان کسی که تقدیر کرد و هدایت فرمود)) (و الذی قدر فهدی).

منظور از ((تقدیر)) همان اندازه گیری و تعیین برنامه های حرکت به سوی اهدافی است که موجودات به خاطر آن آفریده شده اند.

و منظور از ((هدایت)) همان هدایت تکوینی است که به صورت انگیزه ها و قوانینی که به بر هر موجودی حاکم ساخته (اعم از انگیزه های درونی و برونی می باشد.

فی المثل از یکسو پستان مادر و شیر آن را برای تغذیه طفل آفریده و به مادر عاطفه شدید مادری داده و از سوی دیگر در طفل انگیزه ای آفریده که او را

به سوی پستان مادر می کشاند، و این آمادگی و جاذبه دو جانبه در مسیر هدف ، در همه موجودات دیده می شود.

خلاصه اینکه : دقت در ساختمان هر موجود و مسیری را که در طول عمر خود طی می کند، به وضوح این حقیقت را نشان می دهد که برنامه ریزی دقیقی دارد، و دست هدایت نیرومندی پشت سر آن است ، و آن برای اجرای این برنامه ها کمک می کند، و این نشانه دیگری از ربوبیت پروردگار است .

البته در مورد انسان غیر از برنامه هدایت تکوینی ، نوع هدایت دیگری وجود دارد که از طریق وحی و ارسال

انبیاء صورت می گیرد، و هـدایت تشریعی نام دارد، و جالب اینکه هـدایت تشـریعی انسان نیز در تمام زمینه ها مکمل هدایت تکوینی او است .

نظیر ایـن معنی در آیـه ۵۰ طـه نیز آمـده اسـت ، آنجـا که موسـی (علیه السـلام) در مقابـل این سـؤ ال فرعـون که می گویـد: پروردگار شـما کیست))؟ و من ربکما یا موسـی ؟ جواب می دهد: ربنا الذی اعطی کل شـی ء خلقه ثم هدی : ((پروردگار ما کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بود داد، سپس رهبریش کرد)).

مفهوم این سـخن در زمان موسـی بن عمران یا نزول قرآن گرچه اجمالا معلوم بود، ولی امروز با پیشـرفت علوم و دانش بشـری در زمینه شـناخت انواع موجودات ، مخصوصا جانـداران و گیاهان ، از هر زمان آشـکارتر شده است ، و هزاران هزار کتاب در زمینه این ((تقـدیر)) و ((هـدایت تکوینی)) نوشـته شـده ، و در عین حال اعتراف می کننـد، آنچه هنوز ناگفته مانده به مراتب بیشتر است .

در مرحله بعد اشاره به گیاهان و مخصوصا مواد غذایی چهار پایان کرده ، می افزاید: ((آن کسـی که چراگاه را به وجود آورد و از دل زمین بیرون فرستاد)) (و الذی اخرج المرعی).

تعـبیر به ((اخرج)) از مـاده ((اخراج)) اشـاره به این است که گـویی همه اینهـا در دل زمین وجود داشـته ، و خداونـد آنهـا را بیرون فرستاده ، بدیهی است تغذیه حیوانات مقدمه ای است برای تغذیه انسان ، و فایده آن سرانجام به انسانها باز می گردد.

و بعد می افزاید: ((سپس خداوند آن را خشک و سیاه

قرار داد)) (فجعله غثاءا احوى).

((غثاء)) در اصل به معنی گیاهان خشکی است که روی سیلاب قرار می گیرد، همچنین به کفهایی که روی دیگ در حال جوشیدن پیدا می شود ((غثاء)) می گویند، و این تعبیر به عنوان کنایه از هر چیزی که ضایع می شود و بیهوده از دست می رود استعمال می شود، و در آیه مورد بحث به معنی گیاهان خشکیده و در هم ریخته است .

((احوى)) از ماده ((حوه)) (بر وزن قوه) به معنی رنگ سبز سیر و گاه به معنی رنگ سیاه آمده است .

و هر دو به یک معنی باز می گردد، چرا که رنگ سبز سیر همواره متمایل به سیاهی است ، و این تعبیر به خاطر آن است که گیاهان خشک هنگامی که روی هم متراکم می شوند تدریجا میل به سیاهی پیدا می کنند.

انتخاب این تعبیر با اینکه در مقام بیان نعمتهای الهی است ممکن است به یکی از سه علت بوده باشد:

نخست اینکه این وضع گیاهان بازگو کننده فنای دنیا است ، و همیشه درس عبرتی برای انسانها محسوب می شود، همان گیاهی که در فصل بهار سرسبز و خرم و با طراوت و نشاط آفرین بود با گذشت چند ماه خشک و بی فروغ و مرده و سیاه رنگ می شود، و با زبان حال بیانگر ناپایداری دنیا و گذشت سریع روزگار است .

دیگر اینکه : گیاهان خشکیده هنگامی که روی هم متراکم می شوند و می پوسند تبدیل به نوعی کود طبیعی می شوند که به زمین قدرت کافی برای پرورش گیاهان تازه می دهد.

سوم اینکه بعضی گفته اند

در این آیه اشاره ای است به مساءله پیدایش زغال سنگ از گیاهان و درختان ، زیرا می دانیم زغال سنگ که یکی از مهم ترین منابع انرژی در کره زمین است ، و بشر در زندگی روزمره و صنایع خود از آن استفاده فراوان کرده و می کند، باقیمانده گیاهان و درختانی است که میلیونها سال قبل خشکیده و در زمین دفن شده ، و با گذشت زمان متحجر و سیاه رنگ گشته است .

بعضی از دانشمندان معتقدند مراتعی که امروز به صورت زغال سنگ در آمده اند حدود دویست و پنجاه میلیون سال قبل روئیده سپس در دل زمین مدفون شده است !

این مراتع بقدری زیادند که اگر مصرف فعلی زغال سنگ دنیا را در نظر بگیریم نیاز بیش از چهار هزار سال مردم دنیا را تاءمین می کند. <۸>

البته تفسیر آیه به خصوص معنی اخیر بعید به نظر می رسد ولی آیه می تواند معنی جامعی داشته باشد که هر سه تفسیر در آن جمع گردد.

به هر حال غثاء احوی (گیاهان خشکیده تیره رنگ) منافع زیادی در بر دارد هم غذای مناسبی است برای زمستان حیوانات ، و هم وسیله ای است برای سوخت و سوز انسان ، و هم کود مناسبی است برای زمینها.

قابل توجه اینکه در هفت توصیفی که در آیات فوق آمده (ربوبیت علو - خلقت - تسویه - تقدیر - هدایت - رویاندن گیاهان).

در حقیقت مساءله ربوبیت عالی پروردگار با پنج وصف اخیر به نحو احسن تشریح شده است که مطالعه آنها انسان را به خوبی به مقام ربوبیت والای خداوند آشنا می سازد،

و نور ایمان را در دل او می افکند، و مهم ترین نعمتهای الهی را به طور اجمال بازگو می کند، و حسن شکرگزاری را در آدمی برمی انگیزد.

مساءله تقدیر (اندازه گیری) و هدایت عمومی موجودات که در آیات فوق از مظاهر ربوبیت پروردگار شمرده شده ، از مسائلی است که هر قدر زمان بر آن بگذرد و علم و دانش بشر پیشرفت کند حقایق بیشتری از آن بروز می کند.

اکتشافات علمی به ما امکان می دهد که چهره های تازه و شگفت آور و شوق انگیزتری از این تقدیر و هدایت را در تمام ذرات جهان بنگریم ، بعضی از مفسران در اینجا با استناد به نوشته های دانشمند معروف ((کمریسی موریسن)) در کتاب ((راز آفرینش انسان)) نمونه هایی از این راز بزرگ را در مورد هدایت حیوانات و انواع مختلف جانداران آورده است که ذیلا به قسمتی از آن با مختصر تغییر و تکمیل اشاره می شود.

۱ - پرندگان مهاجر که گاهی در سال هزاران کیلومتر را بر فراز اقیانوسها و جنگلها و بیابانها می پیمایند هرگز آشیانه خود را گم نمی کنند، و بعد از بازگشت

درست به وطن اصلی باز می گردند، و همچنین زنبوران عسل هر قدر از کندوی خود دور شوند و باد آنها از این طرف و آن طرف ببرد باز دقیقا به آشیانه خود بر می گردند، در حالی که انسان برای بازگشت به وطن احتیاج به نشانه ها و آدرسهای دقیق و راهنما دارد.

۲ - حشرات چشمهای میکروسکوبی (ذره بین) دارند که ساختمان و قدرت دید آن انسان را به حیرت وا می

دارد، در حالی که بازهای شکاری دارای چشمهای تلسکوپی (دوربین) هستند.

۳ – انسان برای پیدا کردن راه خویش در شب باید از منبع نور استفاده کند، ولی بسیاری از پرندگان در نهایت ظلمت و تاریکی شب اهداف خود را می بینند، و این از طریق چشمانی است که در برابر اشعه ، مادون قرمز حساسیت دارد و همچنین دستگاه رادارمانندی است که در وجود بعضی از آنها به یادگار گذاشته شده است .

۴ – سگها به خاطر داشتن شامه اضافی می توانند هر حیوانی را در مسیر آنها باشند از طریق بو بشناسند، در حالی که انسان حتی با وسائلی که در دست دارد قادر به چنین مطلبی نیست .

۵ – تمام حیوانات صداهایی را که شدت ارتعاش آن بیرون از قدرت سامعه ما است درک می کنند، و شنوایی آنها به مراتب از شنوایی ما دقیقتر است ، هر چند انسان توانسته است این مطلب را با وسائل و ابزار علمی جبران کند و صدای بال مگسی را که چندین کیلومتر از او دور است آنچنان بشنود که گویی روی لاله گوش او قرار گرفته ! و شاید این تفاوت قدرتی را که خداوند میان انسان و حیوان قائل شده به خاطر همین است که انسان از طریق علم و عقل قادر بر جبران ضعفهایش می باشد ولی حیوانات چنین نیستند.

۶ – نوعی ماهی کوچک است که سالها در دریا زندگی می کند سپس برای

تخم ریزی به همان نهری که در آن متولد شده است باز می گردد و بر ضد امواج پیش می رود موطن اصلی را که مناسبت پرورش

او است بعد از سالها آن در فاصله دور دستی پیدا می کند!

۷ - و از این عجیب تر داستان بعضی از حیوانات آبی است که آنها عکس این مسیر را طی می کنند. ما تو را برای هر کار خیر آماده می کنیم

در آیات گذشته سخن از ربوبیت و ((توحید)) پروردگار بود و به دنبال آن در آیات مورد بحث سخن از قرآن و ((نبوت)) پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) است ، در آیات گذشته سخن از ((هدایت عمومی)) موجودات بود، و در آیات مورد بحث سخن از ((هدایت نوع انسان)) است ، و بالاخره در آیات گذشته تسبیح پروردگار علی اعلی آمده بود، و در این آیات از قرآن که بیانگر این تسبیح است سخن به میان می آورد.

می فرماید: ((ما به زودی بر تو قرائت می کنیم و هرگز فراموش نخواهی کرد (سنقرئک فلا تنسی).

بنابراین هنگام نزول وحی عجله مکن ، و هرگز نگران فراموش کردن آیات الهی مباش ، آن کس که این آیات بزرگ را برای هدایت انسانها بر تو فرستاده ، هم او حافظ و نگاهبان آنها است ، آری او نقش این آیات را در سینه پاک تو ثابت می دارد، به طوری که هرگز گرد و غبارنسیان بر آن نخواهد نشست .

این نظیر مطلبی است که در آیه ۱۱۴ سوره طه آمده است : فلا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه و قل رب زدنی علما: ((برای خواندن قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود عجله مکن ، و بگو پروردگارا علم مرا

افزون کـن)) و در آیه ۱۶ سوره قیـامت می خوانیم لاـ تحرک به لسانـک لتعجـل به ان علینـا جمعه و قرآنه : ((زبان خود را به قرآن حرکت مده پیش از آنکه وحی بر تو تمام شود، بر ما است که آن را جمع آوری کنیم و بر تو بخوانیم)).

سپس برای اثبات قدرت خداوند و اینکه هر خیر و برکتی است از ناحیه او است می افزاید: (تو چیزی از آیات الهی را فراموش نمی کنی) مگر آنچه را خدا بخواهد که او آشکار و پنهان را می داند)) (الا ماشاءالله انه یعلم الجهر و ما یخفی).

مفهوم این تعبیر آن نیست که پیـامبر (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) چیزی از آیـات الهی را فراموش می کنـد و الا از گفتار او سلب اطمینان خواهـد شـد بلکه هـدف بیان این حقیقت است که موهبت حفظ آیات الهی از سوی خـدا است ، و لذا هر لحظه بخواهـد می توانـد آن را از پیـامبرش بگیرد، و یـا به تعبیر دیگر هـدف بیـان تفـاوت علم ذاتی خداونـد و علم موهبتی پیامبرش (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) است .

این آیه در حقیقت شبیه چیزی است که درباره خلود بهشتیان در آیه ۱۰۸ سوره هود آمده است : و اما الذین سعدوا ففی الجنه خالـدین فیهـا ما دامت السـموات و الارض الا ما شاء ربک عطاءا غیر مجـذوذ: ((سـعادتمندان همیشه در بهشت خواهنـد بود نه مادام که آسمانها و زمین برپا است ، مگر آنچه را پروردگار تو بخواهد این عطایی است که هرگز قطع نمی شود)).

مسلم است که

بهشتیـان هرگز از بهشت بیرون نمی رونـد و ذیـل آیه خود گواه این موضوع است ، بنابراین جمله ((الا ماشاء ربک)) اشاره به حاکمیت اراده و قدرت خداوند، و ارتباط همه چیز به مشیت و خواست او است ، هم در آغاز پیدایش و هم در بقاء.

از جمله امـوری که بر این معنی گواهی می دهـد این است که حفـظ بعضـی از مسائـل و فراموشـی بعضـی دیگر در میـان همه انسانها است ، و این امتیازی نیست که خداوند آن را به عنوان یک موهبت برای پیامبرش بیان کند، بنابراین منظور حفظ تمامی آیات قرآن و احکام و معارف اسلام است .

بعضی نیز گفته اند منظور از این استثناء آیاتی است که هم محتوا و هم تلاوت

آن هر دو نسخ شده است .

ولی این تفسیر بسیار بعید به نظر می رسد، اصولا وجود چنین آیاتی ثابت نیست .

بعضـی نیز احتمـال داده انـد که اسـتثناء از مسـاءله قرائت باشـد، بنابراین مفهوم آیه چنین می شود: ما به زودی بر تو قرائت می کنیم و آیات خود را بیان می داریم ، مگر آیاتی که پروردگارت اراده کرده که در علم مخزون او مکتوم باشـد این تفسـیر نیز با توجه به سیاق آیه بعید به نظر می رسد.

جمله ((انه یعلم الجهر و مـا یخفی)) در حقیقت بیان علت مطلبی است که در جمله ((سـنقرئک)) آمـده است ، اشاره به اینکه خداوندی که از تمام حقایق آشکار و پنهان با خبر است ، آنچه مورد نیاز بشر بوده و هست از طریق وحی به تو القا می کند، و چیزی را در این زمینه

فروگذار نخواهد کرد.

این احتمال نیز وجود دارد که منظور این است که پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) در گرفتن وحی عجله نکند، و از نسیان و فراموشکاری بیم نداشته باشد، چرا که خداوند عالم به حقایق آشکار و پنهان وعده داده است که او چیزی را فراموش نکند.

به هر حال این یکی از معجزات پیغمبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) است که آیات و سوره های طولانی را با یکبار تلاوت جبرییل به خاطر می سپرد، و همیشه به خاطر داشت ، و چیزی را فراموش نمی کرد.

سپس پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را دلداری داده ، می افزاید: ((ما تو را به انجام هر کار خیری توفیق می دهیم و کارها را بر تو آسان می سازیم)) (و نیسرک للیسری). <۹>

و به تعبیر دیگر هدف بیان این حقیقت است که در راهی که تو در پیش داری مشکلات و سختیها فراوان است ، هم در راه گرفتن وحی و حفظ آن ، و هم در تبلیغ رسالت و ادای آن ، و هم در انجام کارهای خیر و عمل به آن ، ما در تمام این امور (دریافت وحی و ابلاغ و نشر و تعلیم و عمل کردن به آن) به تو یاری می دهیم و مشکلات را بر تو آسان می سازیم .

این جمله ممکن است اشاره به محتوای دعوت پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و تکالیف و برنامه های الهی نیز باشد یعنی محتوای آن آسان ، و شریعت او

شریعت سمحه سهله است ، و تکالیف شاق و کمرشکن در این آیین الهی وجود ندارد.

بنابراین ، آیه فوق مفهوم بسیار وسیعی دارد هر چند بسیاری از مفسران آن را در یکی از ابعادش محدود کرده اند.

و به راستی اگر یاری و توفیق و نصرت الهی نبود پیروزی پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) بر آنهمه مشکلات غیر ممکن بود.

زندگانی خود پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نیز نمونه کاملی از تعلیم این حقیقت بود.

او در هیچ چیز، اعم از لباس و خوراک و مرکب و وسائل زندگی ، سخت گیر نبود، هر غذای مناسبی را تناول می فرمود، هر گونه لباسی را که زنندگی نداشت می پوشید، گاه در بستر می آرمید، و گاه روی فرش ، و گاه حتی روی شنهای بیابان ، و از هر گونه تعلق و تقیدی آزاد بود.

بعد از بیان موهبت وحی آسمانی به پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم)، و وعده توفیق و تسهیل امور برای او، به ذکر مهم ترین وظیفه او پرداخته ، می فرماید: ((پس تذکر ده اگر تذکر مفید باشد)) (فذکر ان نفعت الذکری).

بعضی گفته اند: منظور این است که تذکر به هر حال سودمند است ،

و افرادی که به هیچوجه از آن منتفع نشوند کمند، بعلاوه حداقل موجب اتمام حجت بر منکران می شوند که این خود منفعت بزرگی است . <۱۰>

در حالی که بعضی عقیده دارند آیه محذوفی دارد و مفهومش این است تذکر ده خواه مفید باشد یا نباشد، ((فذکر ان نفعت الذکری او لم تنفع)) و در

حقیقت شبیه چیزی است که در آیه ۸۱ سوره نحل آمده است و جعل لکم سرابیل تقیکم الحر: ((خداوند برای شما پیراهنهایی قرار داد که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند)) در این آیه فقط ((گرما)) ذکر شده و ((سرما)) به قرینه مقابله معلوم می شود.

ولی بعضی از مفسران اصرار دارند که ((جمله شرطیه)) در اینجا مفهوم دارد، و منظور این است که در آن جایی باید تذکر دهی که مفید است ، و در آنجا که هیچ فایده ای ندارد لازم نیست .

این احتمال نیز داده شده که ((ان)) در اینجا ((شرطیه)) نباشد، بلکه به معنی ((قد)) و برای تاءکید و تحقیق است و مفهوم جمله این است : تذکر ده که تذکر مفید و سودمند است .

از میان این چهار تفسیر، تفسیر اول از همه مناسب تر به نظر می رسد.

برنامه عملی پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نیز گواه بر این است که او برای تبلیغات و تذکرات خود هیچ قید و شرطی قائل نبود و همگان را وعظ می کرد و انذار می نمود.

در آیات بعد به عکس العمل مردم در برابر تذکر وعظ و انذار پرداخته ، و آنها را به دو گروه تقسیم می کند: می فرماید: ((به زودی آنها که از خدا می ترسند و احساس مسؤ ولیت می کنند متذکر می شوند)) (سیذکر من یخشی).

آری تا روح خشیت و ترس ، و یا به تعبیر دیگر روح ((حق طلبی)) و ((حق جویی)) که مرتبه ای از تقوا است در انسان وجود نداشته باشد از

مواعظ الهی و تذکرات پیامبران نفعی نمی برد، لذا در آغاز سوره بقره قرآن را مایه هدایت برای پرهیزگاران شمرده می گوید: هدی للمتقین .

و در آیه بعد به گروه دوم پرداخته می افزاید: ((اما بدبخت ترین افراد از آن دوری می گزینند)) (و یتجنبها الاشقی). <۱۱>

در بعضی از روایات آمده است که ابن عباس می گوید: آیه ((سیذکر من یخشی)) درباره ((عبدالله بن ام مکتوم)) آن مرد نابینای پاکدل حق طلب نازل شده ، و بعضی گفته اند: آیه ((و یتجنبها الاشقی)) درباره ((ولید بن مغیره)) و ((عتبه بن ربیعه)) است که از سران شرك و کفر بودند. <۱۲>

بعضی گفته اند که منظور از ((اشقی)) در اینجا معاندین و دشمنان حق است ، چرا که مردم سه گروهند: گروهی عارف و آگاه ، و گروهی متوقف و شاك ، و گروهی معاند، و طبیعی است که گروه اول و دوم از تذکرات منتفع می شوند، تنها گروه سودمند که بهره مثبتی نمی گیرند و تنها تاءثیر تذکر در مورد آنها همان

اتمام حجت است .

ضمنا از این آیه استفاده می شود که پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) گروه سوم را هم نیز مشمول تذکرات خود قرار می داد، ولی آنها دوری می کردند و چهره بر می تافتند.

قابل توجه این است که در این دو آیه ((شقاوت)) نقطه مقابل ((خشیت)) قرار داده شده ، در حالی که قاعده باید در مقابل سعادت قرار گیرد، و این به خاطر آن است که ریشه اصلی سعادت و خوشبختی انسان ، همان احساس

مسؤ ولیت و خشیت است .

و در آیه بعد سرنوشت گروه اخیر را چنین بیان می کند ((همان شقاوتمندی که در آتش بزرگ دوزخ وارد می شود، و در آن جای می گیرد)) (الذی یصلی النار الکبری).

((سپس در آن آتش برای همیشه می ماند، نه می میرد، و نه زنده می شود)) (ثم لا یموت فیها و لا یحیی).

یعنی نه می میرد که آسوده گردد، و نه حالتی را که در آن است می توان زندگی نام نهاد، بلکه دائما در میان مرگ و زندگی دست و پا می زند، و این بدترین بلا و مصیبت برای آنها است .

در اینکه منظور از ((النارالکبری)) (آتش بزرگ) چیست ؟ جمعی گفته اند منظور پایین ترین طبقه جهنم و اسفل السافلین است ، چرا چنین نباشد که آنها شقی ترین و معاندترین مردم بودند، و عذاب آنها نیز باید سخت ترین و هولناک ترین عذاب باشد.

ولی بعضی گفته اند که توصیف این آتش به ((کبری)) در مقابل آتش ((صغری)) است ، یعنی آتشهای این دنیا می باشد، همانگونه که در حدیثی آمده که امام

صادق (علیه السلام) فرمود: ان نارکم هذه جزء من سبعین جزء من نار جهنم ، و قد اطفئت سبعین مره بالماء ثم التهبت و لو لا ذلک ما استطاع آدمی ان یطیقها:

((این آتش شما جزیی از هفتاد جزء از آتش دوزخ است ، که هفتاد مرتبه با آب خاموش شده ، باز شعله ور گردیده و اگر چنین نبود هیچ انسانی قدرت تحمل آن را نداشت و نمی توانست در کنار آن قرار گیرد. <۱۳>

در

دعای معروف کمیل که از امیر مؤ منان علی (علیه السلام) منقول است درباره مقایسه آتش دنیا و آخرت می خوانیم : علی ان ذلک بلاء و مکروه قلیل مکثه یسیر بقائه قصیر مدته : ((این بلا و مکروهی است که توقف آن کم و بقایش مختصر و مدتش کوتاه است)). برنامه ای که در همه کتب آسمانی آمده

در آیات قبل اشاره ای به مجازات سخت کفار معاند، و دشمنان حق شده

بود، و در آیات مورد بحث به نجات اهل ایمان و عوامل این نجات اشاره می کند، نخست می فرماید ((مسلما رستگار می شود کسی که خود را تزکیه کند)) (قد افلح من تزکی).

((و نام پروردگارش را به یاد آورد و به دنبال آن نماز بخواند)) (و ذکر اسم ربه فصلی).

به این ترتیب عامل فلاح و رستگاری و پیروزی و نجات را سه چیز می شمرد: ((تزکیه)) و ((ذکر نام خداوند)) و سپس ((بجا آوردن نماز)).

در اینکه منظور از ((تزکیه)) چیست تفسیرهای گوناگونی ذکر کرده اند:

نخست اینکه منظور پاکسازی روح از شرک است ، به قرینه آیات قبل ، و نیز به قرینه اینکه مهم ترین پاکسازی همان پاکسازی از شرک است .

دیگر اینکه منظور پاکسازی دل از رذائل اخلاقی و انجام اعمال صالح است ، به قرینه آیات فلاح در قرآن مجید از جمله آیات آغاز سوره مؤ منون که فلاح را در گرو اعمال صالح می شمرد، و به قرینه آیه ۹ سوره شمس که بعد از ذکر مساءله تقوی و فجور می فرماید: قد افلح من زکیها: ((رستگار شد کسی که نفس خود را از

فجور و اعمال زشت پاک کرد و به زینت تقوی بیاراست)).

دیگر اینکه منظور ((زکات فطره)) در روز عید فطر است که نخست باید زکات را پرداخت و بعد نماز عید را بجا آورد، چنانکه در روایات متعددی از امام صادق (علیه السلام) این معنی نقل شده است . <۱۴>

همین معنی در منابع اهل سنت از امیر مؤ منان علی (علیه السلام) روایت شده . <۱۵>

در اینجا این سؤ ال مطرح است که سوره اعلی سوره مکی است ، و در مکه نه زکات فطر مقرر شده بود، و نه روزه ماه مبارک ، و نه مراسم نماز عید فطر.

در پاسخ این سؤ ال بعضی گفته اند که هیچ مانعی ندارد آغاز این سوره در مکه نازل شده باشد و پایانش در مدینه .

این احتمال نیز قویا وجود دارد که تفسیر فوق از قبیل بیان یک مصداق روشن و تطبیق آیه بر فرد واضح است .

بعضی نیز ((تزکیه)) را در اینجا به معنی دادن صدقه مالی دانسته اند.

مهم این است که ((تزکیه)) معنی وسیعی دارد که همه این مفاهیم را در بر می گیرد، هم پاکسازی روح از آلودگی شرک ، و هم پاکسازی از اخلاق رذیله ، و هم پاکسازی عمل از محرمات ، و هر گونه ریا، و هم پاکسازی مال و جان به وسیله دادن زکات در راه خدا، زیرا طبق آیه خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها: ((از اموال آنها صدقه ای (زکات) بگیر تا آنها را به وسیله آن پاکسازی و تزکیه کنی)) دادن زکات سبب پاکی روح و

جان است .

بنابراین ، تمام تفسیرها ممکن است در معنی گسترده آیه جمع باشد.

قابل توجه اینکه : در آیات فوق نخست سخن از تزکیه و بعد ذکر پروردگار و سپس نماز است .

به گفته بعضی از مفسران مراحل عملی مکلف سه مرحله است :

نخست ((ازاله عقائد فاسده از قلب)) سپس ((حضور معرفه الله و صفات و اسماء او در دل)) و سوم ((اشتغال به خدمت)) آیات فوق در سه جمله کوتاه اشاره به این سه مرحله کرده است . <۱۶>

این نکته نیز قابل توجه است که ((نماز)) را فرع بر ((ذکر پروردگار)) می شمرد، این به خاطر آن است که تا بیاد او نیفتد و نور ایمان در دل او پرتو افکن

نشود به نماز نمی ایستد، بعلاوه نمازی ارزشمند است که تواءم با ذکر او و ناشی از یاد او باشد، و اینکه بعضی ذکر پروردگار را تنها به معنی ((الله اکبر)) یا ((بسم الله الرحمن الرحیم)) که در آغاز نماز گفته می شود تفسیر کرده اند در حقیقت بیان مصداقهایی از آن است .

سپس به عامل اصلی انحراف از این برنامه فلاح و رستگاری اشاره کرده ، می افزاید: ((بلکه شما حیات دنیا را مقدم می دارید)) (بل تؤ ثرون الحیوه الدنیا).

((در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است)) (و الاخره خیر و ابقی).

و این در حقیقت همان مطلبی است که در احادیث نیز آمده : حب الدنیا راءس کل خطیئه : ((محبت دنیا سرچشمه هر گناهی است . <۱۷>

در حالی که هیچ عقلی اجازه نمی دهد که انسان ((سرای باقی)) را به ((متاع فانی

)) بفروشد و این لذات مختصر و آمیخته با انواع درد و رنج را بر آن همه نعمت جاویدان و خالی از هرگونه ناملائمات مقدم بشمرد.

و سرانجام در پایان سوره می فرماید: ((این دستوراتی که گفته شد منحصر به این کتاب آسمانی نیست ، بلکه در صحف و کتب پیشین نیز آمده است)) (ان هذا لفی الصحف الاولی).

((صحف و کتب ابراهیم و موسی)) (صحف ابراهیم و موسی). <۱۸>

در اینکه مشار الیه ((هذا)) چیست ؟ نظرات گوناگونی وجود دارد: جمعی گفته اند اشاره به دستورات اخیر در زمینه تزکیه و نماز و مقدم نشمردن حیات دنیا بر آخرت است ، چرا که اینها از اساسی ترین تعلیمات همه انبیا بوده ، و در تمام کتب آسمانی آمده است .

بعضی دیگر آن را اشاره به تمام ((سوره)) می دانند، چرا که از توحید شروع می شود، و با نبوت ادامه می یابد، و به برنامه های عملی ختم می شود.

و به هر حال ، این تعبیر نشان می دهد که محتوای پر اهمیت این سوره ، یا خصوص آیات اخیر، از اصول اساسی عالم ادیان ، و از تعلیمات بنیادی همه انبیا و پیامبران است و این خود نشانه ای است از عظمت سوره و از اهمیت این تعلیمات .

((صحف)) جمع ((صحیفه)) در اینجا به معنی لوح و یا صفحه ای است که چیزی بر آن می نویسند.

آیات فوق نشان می دهد که حضرت ابراهیم (علیه السلام) و موسی (علیه السلام) نیز دارای کتابهای آسمانی بوده اند.

در روایتی از ابو ذر می خوانیم که می گوید: به

پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) عرض کردم انبیا چند نفر بودند؟

فرمود یکصد و بیست و چهار هزار نفر.

گفتیم : رسولان آنها چند نفر بودند؟

فرمود: سیصد و سیزده نفر، و بقیه فقط ((نبی)) بودند.

عرض کردم : آدم نبی بود؟

فرمود بله ، خداوند با او سخن گفت و او را با دست خود آفرید، سپس پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) افزود، ای ابو ذر! چهار نفر از انبیاء عرب بودند: هود و صالح و شعیب و پیامبر تو.

گفتم : ای رسول خدا! خداوند چند کتاب نازل فرمود؟

فرمود: صد و چهار کتاب ، ده کتاب بر ((آدم)) پنجاه کتاب بر ((شیث)) و بر ((اخنوخ)) که ادریس است سی کتاب ، و او نخستین کسی است که با قلم نوشت و بر ((ابراهیم)) ده کتاب و نیز تورات و انجیل و زبور و فرقان را (بر موسی و مسیح و داود و پیامبر اسلام نازل کرد). <۱۹>

تعبیر به ((الصحف الاولی)) در مورد کتابهای ابراهیم و موسی در برابر صحف اخیر است که بر حضرت مسیح و پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نازل شده است .

تحلیلی بر حدیث ((حب الدنیا راءس کل خطیئه))

مسلما برای افراد مؤ من این محاسبه قرآنی که در آیات فوق آمده در مقایسه دنیا با آخرت که می گوید ((آخرت بهتر و پایدارتر است)).

کاملاـ روشن است ، اما با این حال چگونه انسان مؤ من در بسیاری از اوقات این علم و آگاهی خود را زیر پا می گذارد و آلوده گناهان

و جرائمی می شود؟!

پاسخ این سؤ ال یک جمله است ، و آن غلبه شهوات بر وجود انسان ، و سرچشمه غلبه شهوات نیز حب دنیا است .

حب دنیا اعم از حب مال ، مقام ، شهوت جنسی ، تفوق طلبی ، برتری جویی ،

تن پروری ، انتقام جویی ، و مانند اینها، گاه چنان طوفانی در روح انسان ایجاد می کند که تمام معلومات او را بر باد می دهد، و حتی گاه حس تشخیص او را از میان می برد، و در نتیجه حیات دنیا بر آخرت مقدم می دارد.

اینکه در روایات اسلامی کرارا حب دنیا به عنوان سرچشمه تمام گناهان شمرده شده است یک واقعیت عینی و محسوس است که در زندگی خود و دیگران بارها آن را آزموده ایم .

بنابراین برای قطع ریشه های گناه راهی جز این نیست که حب و عشق دنیا را از دل بیرون کنیم .

باید به دنیا همچون وسیله ای ، گذرگاهی ، پلی ، و یا همچون مزرعه ای بنگریم .

ممکن نیست عاشقان دنیا بر سر دو راهی ((وصول به متاع این جهان و نیل به رضای خدا)) دومی را مقدم شمرند.

اگر پرونده های جنایی را بنگریم واقعیت حدیث فوق را در آنها به خوبی مشاهده می کنیم .

هنگامی که علل جنگها، خونریزیها، کشت و کشتارها (حتی برادران و دوستان) را مورد توجه قرار می دهیم جای پای حب دنیا در همه آنها مشهود و نمایان است .

اما چگونه می توان حب دنیا را از دل بیرون کرد با اینکه ما همه فرزند دنیاییم ، و علاقه فرزند به مادر یک امر طبیعی

است ؟!

این نیاز به آموزش فکری و فرهنگی و عقیدتی ، و سپس تهذیب نفس دارد. و از جمله اموری که می تواند بالاترین کمک را به سالکان راه در این مسیر کند ملاحظه عاقبت کار دنیا پرستان است .

فراعنه با آنهمه قدرت و امکانات مالی سرانجام چه کردند؟ قارون از اینهمه

گنجهائی که کلید آنها را چندین انسان نیرومند به زحمت می کشیدند چه اندازه با خود برد؟!

قدرتهای عظیمی را که در عصر و زمان خود می نگریم ، و با نسیمی دفتر زندگانیشان بر هم می خورد، و با یک گردش لیل و نهار از تخت قدرت فرو می افتند، و کاخها و ثروتهایشان را می گذارند و می گریزند، و یا به زیر خاک پنهان می شوند، خود بهترین واعظ و معلم ماست .

این سخن دامنه دار را با حدیثی از امام علی بن الحسین (علیه السلام) که بسیار رسا و گویا است پایان می دهیم :

از حضرتش پرسیدند که افضل اعمال نزد خدا چیست ؟

فرمود: ما من عمل بعد معرفه الله عز و جل و معرفه رسوله (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) افضل من بغض الدنیا: ((هیچ عملی بعد از معرفت خداوند و رسولش افضل از دشمنی با دنیا نیست))!

سپس افزود: زیرا برای حب دنیا شعب بسیاری است ، و معاصی نیز شعب بسیاری دارد، اولین چیزی که با آن معصیت خدا شد معصیت ابلیس بود در آن زمان که ابا کرد و ((تکبر)) ورزید و از کافرین شد.

سپس ((حرص)) بود که سرچشمه معصیت (و ترک اولای) آدم و حوا گشت ، در آن

زمان که خداونـد متعال به آنها فرمود: از هر جای بهشت می خواهیـد بخورید، ولی نزدیک این درخت (ممنوع) نشوید که از ستمکـاران خواهیـد بود ولی آنهـا به سـراغ چیزی رفتنـد که به آن نیاز نداشـتند! و همین برای فرزنـدان آنها تا روز قیامت باقی مانـد، چرا که غالب چیزهایی را که انسان می طلبـد به آن نیازی نـدارد (نیازها غالبا منشاء گناه نیستند، آنچه منشاء گناه اسـت هوسـها و امور زائد بر نیاز است) سـپس ((حسد)) بود که سرچشمه گناه فرزند آدم شد، نسبت به برادرش حسد ورزید و او را به قتل رساند.

و از شعب آن حب زنان ، حب دنیا، <۲۰> حب ریاست ، حب راحتی ، حب سـخن ، حب برتری ، و حب ثروت است ، اینها هفت خصـلتند که همگی در حب دنیا جمعنـد، و لـذا پیامبران و دانشـمندان بعد از آگاهی بر این حقیقت گفته اند: حب الدنیا راءس کل خطیئه . <۲۱>

خداوندا! حب دنیا را که ریشه همه گناهان است از دل ما بیرون ببر.

پروردگارا! خودت در مسیر پر پیچ و خم تکامل دست ما را بگیر و به سر منزل مقصود هدایت فرما.

بار الها تو از پنهان و آشکار آگاهی گناهان مخفی و آشکار ما را به لطف و کرمت ببخشا.

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره برای آشنایی با حال و هوای این سوره نخست به شناسنامه اش می نگریم:

۱ - نام این سوره در نخستین آیه از این سوره، با وصف «برتر» و و «الاتر» خدا و سـتایش او که پدید آورنده و گرداننده هستی و

مدبر جهان است، رو به رو می گردیم:

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی

نام پروردگارت را که برترین و والاترین نام هاست به پاکی ستایش کن... و نام این سوره از همین آیه دریافت شده است.

۲ - فرودگاه آن در مورد فرودگاه این سوره دو نظر آمده است:

۱ - به باور گروهی از جمله «ابن عباس» این سوره در مکّه فرود آمده است.

۲ - امّا به باور «ضحاک» در مدینه فرود آمده است.

۳ - شمار آیه های آن این سوره از ۱۹ آیه، ۷۲ واژه، و ۲۷۱ حرف ساخته شده است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر آورده اند که فرمود:

من قرأها اعطاه اللّه عشر حسنات بعدد کل حرف انزل اللّه علی ابراهیم و موسی و محمد(ص)(۱۳۱)

هر کس سوره «اعلی را بخواند، خدا به شمار هر حرفی که بر ابراهیم و موسی و محمد(ص) فرو فرستاده است ، ده پاداش به او ارزانی خواهد داشت.

از امیرمؤمنان آورده اند که:

کان رسول اللّه یحب هذه السّوره...(۱۳۲)

پیامبر گرامی این سوره را بسیار دوست می داشت، و کسی که نخستین بار با واژه های آغازین آیه این سوره خدا را ستود، میکائیل بود.

و نیز در روایت آورده اند که: پیامبر و امیرمؤمنان و برخی از یاران به هنگام تلاوت نخستین آیه این سوره، این فرمان را به جان خریده و می گفتند: «سبحان ربی الاعلی و ذات بی همتای او را ستایش می نمودند.(۱۳۳)

و پاره ای آورده اند که: هر کس این سوره را تلاوت کرد باید با اقتدای به پیامبر همان گونه خدا را بستاید و بگوید: «سبحان ربی الأعلی»

از حضرت صادق آورده اند که فرمود:

من

قرأ سبح اسم ربک الأعلی فی فریضه او نافله قیل له یوم القیامه ادخل الجنه من ای ابواب الجنه شئت ان شاءاللّه.(۱۳۴)

هر کس سوره «اعلی را در نماز واجب و یا نافله اش بخواند، در روز رستاخیز به او ندا می رسد که: از هر در بهشت که می خواهی وارد شو.

یکی از یاران امیرمؤمنان در فضیلت این سوره آورده است که: من بیست شب به امامت علی (ع) نماز خواندم، و آن حضرت در همه نمازها سوره «اعلی را خواند. و آن گاه فرمود: لو یعلمون ما فیها لقرأها الرجّل کل یوم عشرین مره، و انّ من قرأها فکانما قرأ صحف موسی و ابراهیم الذّی و فی (۱۳۵)

اگر مردم می دانستند که تلاوت این سوره چه پاداش پر شکوهی دارد، آن گاه است که هر کدام از شما روزی بیست مرتبه آن را تلاوت می نمود. و بدانید که هر کس این سوره را تلاوت کند، بسان آن است که کتاب های موسی و ابراهیم را - که به عهد خود با خدا وفا کرد - خوانده است.

و نیز آورده اند که: با فرود آیه «فسبح باسم ربک العظیم»، پیامبر فرمود: این آیه را در رکوع نمازهای خود بخوانید؛ و آن گاه که آیه مورد بحث فرود آمد، فرمود: این آیه را هم در سجده نمازهای خود بخوانید.(۱۳۶)

۵ - دورنمایی از مفاهیم این سوره در آغاز این سوره، قرآن روی سخن را به پیشوای بزرگ توحید و آزادی می کند و این نکات و بحث های ارزشمند و دگرگون ساز را به تابلو می برد:

ستایش شایسته و بایسته پروردگار یا اصل «ربوبیت»،

یکتایی خدا و رسالت پیامبر،

وصف های

هفتگانه ای از او،

وصف دنیا و زندگی دنیا،

هدایت عمومی موجودات،

هدایت انسان،

نکاتی در پیام رسانی و ایجاد تحول مطلوب در اندیشه ها،

حق شنوی و اصلاح پذیری، شرط رهایی و رستگاری،

اصلاح ناپذیری و تعصب و بیداد، عامل انحطاط و سقوط،

حیات برتر،

سعادت و رستگاری در سایه خودسازی و رابطه عاشقانه با خدا، و نکات ظریف دیگری که خواهد آمد.

۱ - [هان ای پیامبر!] نام پروردگارت را که والاترین نام هاست به پاکی ستایش کن؛

۲ - همان کسی که [هستی را] آفرید و نظام بخشید.

۳ - و همو که [هر چیزی را] اندازه گیری کرد و راه نمود.

۴ - وهمو که چمنزار را پدید آورد؛

۵ - آن گاه [پس از چندی آن را خاشاکی تیره گردانید.

۶ - ما به زودی [قرآن را به وسیله فرشته وحی برتو خواهیم خواند، و [تو آن را]فراموش نخواهی کرد.

۷ - جز آنچه خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می داند.

۸ - و آسان ترین [راه را برای تو فراهم می سازیم.

۹ - پس [به مردم خود] اندرز ده، اگر اندرز دادن سودبخش افتد.

۱۰ - به زودی آن کسی که [از خدا حساب برد و] بترسد، اندرز [و اصلاح]خواهد پذیرفت.

۱۱ - و تیره بخت ترین ها[ی روزگاران خود را از آن دور می سازد [و اصلاح نمی پذیرد]؛

۱۲ - همان کسی که به سهمگین ترین آتش در می آید.

۱۳ - آن گاه نه در آن می میرد و نه زندگی می یابد.

۱۴ - راستی که رستگار گردید آن کس که خویشتن را پاک گردانید [و اصلاح کرد]،

۱۵ - و

نام پروردگارش را [آن گونه که باید به اخلاص یاد کرد و نماز گزارد.

۱۶ - امّا [شما اصلاح ناپذیران در اندیشه سعادت و رستگاری واقعی نیستید،]بلکه [تنها] زندگی دنیا را بر می گزینید؛

۱۷ - با این که سرای آخرت بهتر و ماندگارتر است.

۱۸ - بی گمان این [واقعیت در صحیفه های آسمانی پیشینیان آمده است:

۱۹ - [در] صحیفه های ابراهیم و موسی.

نگرشی بر واژه ها

اعلی این واژه به معنی برتر و بزرگتر آمده و منظور این است که قدرت و فرمانروایی اوست که کران تا کران هستی را در برگرفته، و هماره پایدار و ماندگار است.

سوّی: از ماده «تسویه» به معنی نظام بخشیدن آمده است.

غثاء: این واژه در اصل به معنی گیاهان خشکیده ای است که سیلاب آنها را به دشت و دره ها می پراکند، و آن گاه به همین تناسب به هر چیز بی ارزش و بیهوده و جامعه ای که از نژادهای گوناگون پدیدار آمده است گفته می شود.

احوی: به معنی سیاه و گاه سبز پررنگ که به سیاهی می گراید، آمده است.

اقراء: شروع تلاوت و خواندن قرآن برای شنیدن دیگران و اصلاح غلطها و خطاهای آنان.

نسیان: فراموش ساختن و زدوده شدن مفهوم و معنا از خاطر انسان، بسان «سهو» که در برابر آنها واژه «ذکر» به معنی «یاد کردن» می باشد.

تفسیر

ستایش خالصانه و عملی خدا

آخرین آیات سوره پیش با هشدار به کفرگرایان و ظالمان به پایان رسید، اینک این سوره با آیات روشنگری آغاز می گردد که همگان را به قدرت بی کران پدیدآورنده و تدبیرگر والای جهان و انسان توجه می دهد.

نخست روی سخن را به

پیامبر گرامی می کند که:

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی

هـان ای پیـامبر! نـام پروردگـارت را که والاـترین و برترین نامهـاست، به پاکی سـتایش کن و او را از هر پنـدار شـرک آلود و خرافی پاکیزه بشمار.

به باور گروهی از جمله «ابن عباس» منظور این است که: با همه وجود بگو: سبحان ربی الاعلی

امّا بـه بـاور گروهی دیگر، ذات پرشکوه پروردگـارت را از هر وصـفی که در خـور او نیست پـاک و پـاکیزه بشـمار، چرا که ستـایش به مفهوم واقعی آن، به این معنی است که ذات بی همتـای خـدا و وصف و کارهای او را از آنچه، ناپسـند و سـست و خرافی است پاک و پاکیزه اعلام داری و بگویی: خدایی جز او نیست و او بی همتا و بی نظیر و یگانه است.

پاره ای از مفسـران برآنند که منظور از سـتایش «نام» خدا، در حقیقت سـتایش خداست، به همین جهت بسـیار زیبنده است که انسان توحیـدگرا هرگاه این آیه را تلاوت نمود، با همه وجود بگوید: «سـبحان ربی الاعلی و بدین وسـیله ذات پاک پروردگار والاتر و برتر خود را ستایش کند

امّا پاره ای دیگر برآنند که منظور سـتایش نام مقدس پروردگار است و نه ذات او، و روشـنگری می کند که این نام بلند را در ردیف هیچ نام دیگری مپندار.

واژه «اعلی به معنی برتر و والاـتر است که به هرکس و هر چیزی چیره است و از او توانـاتر قابـل تصور نیست. این واژه را پـاره ای وصف «اسم» گرفته اند و می گویند منظور آیه این است که: با یاد نام برتر والاتر پروردگارت او را بستای.

امّا به باور «ابن عباس»

منظور این است که به نام والاتر و برتر پروردگارت نماز بگزار.

در آیه بعد در اشاره به وصف دیگر ذات پاك او پس از وصف «تدبیرگری» و «برتری» و والاتری می فرماید:

الَّذِی خَلَقَ فَسَوَّی

آن پروردگاری که جهان و انسان را پدید آورد و نظام بخشید.

به باور «کلبی»، آن خدایی که هر موجود زنده ای را پدید آورد، آن گاه دو دست، دو چشم و دو پای او را مساوی قرار داد.

امّا به باور «زجاج» آن خدایی که انسان را آفرید و به او قامت بر افراشته داد، و نه بسان چارپایان که بر روی دست پا راه رود و سر به زیر باشد.

و از دیدگاه برخی، آن خدایی که پدیده های گوناگون را بر اساس خواست حکیمانه اش پدید آورد، و به گونه ای آنها را نظام بخشید که نشانگر یکتایی و بی همتای او باشند.

آن گاه می افزاید:

وَ الَّذِی قَدَّرَ فَهَدی

همو که هر چیزی را اندازه گیری فرمود و آن گاه به راه زندگی راه نمود.

آری، ذات بی همتای او دو وصف دیگرش این است که: پدیده های گوناگون جهان آفرینش را در چهره ها و قیافه ها و شکل های متنوعی طراحی فرمود و نظام بخشید، آن گاه اسباب رزق و روزی و راه های زندگی را به آنان ارزانی داشت و رهنمود داد، و در این میان انسان را در پرتو انبوهی از دلیل ها و برهان ها به شناخت خدا و دین او راه نمود.

به باور پاره ای منظور این است که: همو که روزی آنها را اندازه گیری فرمود و به سوی به دست آوردن آن هدایت شان کرد.

امّا به باور پاره ای دیگر، همو که

آنهـا را بر اسـاس حکمت انـدازه گیری کرد و هر کـدام را به سـوی سـود و زیـان خـویش راه نمـود و آگـاه سـاخت: درسـت همانسان که نوزاد، به سینه مادر هدایت شده است، و جوجه های پرندگان به زیر پر و بال مادر.

برخی برآننـد که: همو که انـدازه گیری کرد و نر و مـاده را به سوی یکـدیگر راه نمود و نشـان داد که چگونه نسـل خویش را ادامه دهند.

و برخی دیگر برآنند که: آنها را به راه نیک و بد راه نمود، تا کدام راه را بروند.

از دیـدگاه «سـدی» منظور این است که: آن خدایی را سـتایش کنید که دوران رشد کودک را در شـکم مادر، نه ماه یا اندکی کم و بیش اندازه گیری کرد و به او راه نمود که چگونه و از چه راهی به دنیا بیاید.

و از دیـدگاه برخی دیگر، منظور هـدایت انسان به سوی بهره وری از پدیده های گوناگونی است که چگونه از برخی به عنوان غذا و از پاره ای به عنوان دارو بهره گیرد، و نشان داد که چگونه آنها را از دل زمین و گنجینه های آن استخراج کند.

و می فرماید:

وَ الَّذِی أَخْرَجَ الْمَرْعی

و آن کسی که چمنزار و چراگاه و انواع گیاهان را از دل زمین برای خوردن حیوانات به سود شما بیرون آورد.

آن گـاه آن ها را پس از سـر سبزی و طراوت به صورت خار و خاشاکی در می آورد که بر روی سـیلاب به این سو و آن سـو پراکنده می شود.

فَجَعَلَهُ غُثاءً أَحْوی

به باور پاره ای منظور این است که: همان کسی که علف ها و گیاهان را سر سبز و سیر

سبز و متمایل به سیاهی از دل زمین می رویاند، آن گاه پس از آن طراوت و سر سبزی آنها را می خشکاند و در هر دو حالت علوفه و خوراک دام ها می سازد؛ آری، چنین تدبیرگر فرزانه ای پاک و منزه است و باید او را ستایش کرد.

امّا به باور پاره ای دیگر این آیه بیانگر وصف دنیای پر زرق و برق ماست، که پس از خرمی و طراوت و جلوه گری سرانجام پائیزش می رسد و با آمدن فصل خزان پژمرده می گردد.

هدایت انسان در پرتو پدیده وحی و رسالت در ادامه آیات در اشاره به هدایت انسان به وسیله پدیده وحی و رسالت می فرماید:

سَنُقْرِئُکَ فَلا تَنْسی

ما به زودی قرآن و آیات روشنگر آن را بر تو می خوانیم و تو آنها را فراموش نخواهی کرد.

از دیدگاه پاره ای منظور این است که: به زودی فرشته وحی قرآن را به فرمان ما بر تو می خواند و تو آن را حفظ می گردی و هرگز فراموش نخواهی ساخت.

در این مورد «ابن عباس» آورده است که: وقتی فرشته وحی آیه ای را بر پیامبر می خواند، آن حضرت از فرط شور و عشق و برای آنکه حفظ شود، آیه را به همراه جبرئیل می خواند و پس از پایان وحی نیز مرتب تکرار می کرد، به همین جهت این آیه فرود آمد، تا به او آرامش خاطر ببخشد که آن را فراموش نخواهد کرد.

آن گاه می افزاید:

إِلَّا ما شاءَ اللَّهُ إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ ما یَخْفی

مگر چیزی را خدا بخواهد که از یاد تو ببرد و به خواست آن تدبیرگر توانا آن را به فراموشی سپاری.

به باور گروهی از

جمله «قتاده» مگر چیزی را که خدا بخواهد با نسخ و برداشتن حکم آن، تو حکم و تلاوت را از یاد ببری. با این بیان منظور از «خواستن خدا» در این جا نوعی نسخ و برداشتن حکم است که در سوره بقره مورد بحث قرار گرفت.(۱۳۷)

امّا به باور پاره ای منظور این است که: مگر چیزی را که خدا خواسته و فرود آن ها را به تأخیر افکنده است، که آنها را تلاوت نخواهی کرد، که با این بیان استثنا از قرائت است.

در تفسیر آیه، «فراء» می گوید: خدای فرزانه نخواسته است که آن حضرت چیزی از آیات را فراموش کند، و این بیان بسان این آیه است که می فرماید: خالدین فیها ما دامت السّماوات و الأرض الاّ ما شاء ربک...(۱۳۸) و امّا کسانی که سعادتمند شده اند، تا آسمان ها و زمین برجاست، در بهشت جاودانه اند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد...

و نیز بسان این سخن است که کسی بگوید: هر آنچه را بخواهی به تو خواهم داد، مگر آنچه را خود نخواهم، و منظورش این باشد که شنونده را از چیزی محروم نسازد.

با این بیان در آیه مورد بحث برتری و امتیاز بزرگی برای پیامبر گرامی است، چرا که آن حضرت با اینکه مکتب نرفته و درس ناخوانده بود، هر سوره از سورهای بزرگ و یا کوتاه قرآن را که فرشته وحی بر او می خواند، به لطف خدا حفظ می شد و هرگز فراموش نمی کرد، و این چیزی جز اعجاز و سند درستی دعوت و رسالت، نام دیگری ندارد.

در ادامه آیه می افزاید:

إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ ما یَخْفی

مگر آنچه را خدا بخواهد، که ذات

پاک او آشکار و نهان را می داند.

واژه «جهر» به معنی بالابردن صدا در خواندن است، در برابر آن واژه «همس» به معنی آهسته خواندن می باشد، و منظور این است که: خدا هر آنچه از قرآن را با صدای بلند و یا آهسته بخوانی، همه را می داند و آنچه را که بخواهد برای همیشه به خاطر تو می سپارد و آن را حفظ خواهی شد.

سپس در راه آرامش خاطر و قوت قلب بخشیدن به آن حضرت در کار بزرگ دعوت خویش می فرماید:

وَ نُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرى

و آسان ترین راه موفقیت و پیروزی را برایت آماده ساخته و پیش پایت می گذاریم.

واژه «یسری از ماده «یسر» به معنی سهولت و آسانی کار نیک و شایسته است، و منظور آیه این است که: ما تو را برای بیان و رساندن شریعت سهل و آسان و ناب و پاک توفیق ارزانی می داریم و پیام و وحی خود را بر تو آسان می سازیم، تا با شنیدن آن از فرشته وحی حفظ کردی و هرگز فراموش نکنی و عمل به آن برایت دلنشین و دلنواز باشد و هرگز در عمل به آن مخالفت ننمایی.

به باور «ابومسلم» منظور این است که: ما هر مهر و لطفی که تو را در کار پیام رسانی و روشنگری ات یاری کند و کار را بر تو آسان سازد و مشکلات را از سر راه تو بر دارد، آن را از تو دریغ نخواهیم داشت و کارها را بر تو سهل و آسان، و شکیبایی در این کار سترک را بر تو ارزانی خواهیم داشت. و این بهترین چیزی است که در تفسیر

آیه گفته شـده است، چرا که آیه مورد بحث به دو آیه پیش پیونـد دارد و منظور این است که: خدای فرزانه آن حضـرت را به رساندن پیام خویش فرمان داد و به آن بزرگوار وعده یاری فرمود و او را به شکیبایی دستور داد.

و از دیـدگاه «جبـایی» واژه «یسـری عبارت از بهشت پر طراوت و زیباست و این بزرگترین نعمت خـدا بر آن بزرگوار است که می فرماید! ما درآمدن به بهشت را بر تو آسان می سازیم.

با این بیان خدا به پیامبرش این موهبت ها را ارزانی داشت:

موهبت وحی و رسالت، وعده یاری و ارزانی داشتن موفقیت در کار، و دیگر آسان ساختن کارها بر او.

در آیه بعد به آن حضرت فرمان می دهد که:

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرى

پس ای پیامبر! به جامعه و مردم خویش اندرده، اگر اندرز دادن سودبخش افتد.

در این آیه به پیامبر فرمان می رسـد که آنان را انـدرز دهـد، چرا که پنـد و انـدرز سـرانجام در اطاعت خدا و دوری گزیدن از گنـاه و نافرمـانی او کارگر می افتـد، به همین جهت شـرط در آیه، شـرط حقیقی نیست و منظور این است که پنـد و انـدرز در انگیزش مردم به قانون گرایی و دوری گزیدن از قانون شکنی اثرگذار است و آنان را سود می بخشد.

به باور پاره ای منظور این است که: به آنان پند و اندرز ده، خواه آنان را سودبخش افتد، یا نه؛ چرا که پیامبر برای رساندن پیام خدا به مردم و اندرز دادن به آنان فرمان یافته است، بنابراین بر اوست که اندرز دهد، خواه سودشان بخشد، یانبخشد.

با این بیان آیه

مخذوف دارد که از قرینه مقابله دریافت می گردد، بسان این آیه که می فرماید: وجعل لکم سرابیل تقیکم الحر و سرابیل تقیکم بأسکم...(۱۳۹) و برای شما تن پوشهایی مقرر کرده است که شما را از گرما [و سرما] حفظ می کند و زره هایی که شما را در پیکارتان حمایت می نماید.

در ادامه آیات به دو حالت و دو واکنش انسان ها در برابر پند و اندرز پیامبر پرداخته و می فرماید:

سَیَذَّکَّرُ مَنْ یَخْشی

به زودی آن کسی که از خدا حساب می برد و احساس مسئولیت می نماید، از قرآن اندرز خواهد پذیرفت و از بازخواست خدا و کیفر رستاخیز خواهد ترسید.

امّا تیره بخت ترین های روزگاران خود را از آن دور ساخته و اصلاح نخواهد پذیرفت.

وَ یَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَی

بدان دلیل در آیه واژه «اشقی» را به کار می برد که گناه کاران و تیره بختان نیز در گناه و شقاوت برای خود مراحل و درجاتی دارند، که پست ترین آنان کسانی هستند که به خدای یکتا شرک ورزیده و یا جز او را بپرستند و فرمان برند.

به باور «ابومسلم» تیره بخت ها آنانی هستند که در گناه و نافرمانی خدا غرق گردند و از یاد خدا و اندرز کتاب او دوری جویند.

آن گاه در اشاره به سرنوشت آن گروه اصلاح ناپذیر و تیره بخت می فرماید:

الَّذِی یَصْلَی النَّارَ الْکُبْری

همان شقاوت پیشه ای که در سرای آخرت به سهمگین ترین آتش در می آید.

به باور «حسن» منظور این است که: همان شقاوت پیشه ای که به آتش دوزخ در خواهد آمد و در آن ماندگار خواهد شد. منظور از آتش بزرگتر و سهمگین تر، آتش دوزخ است و در برابر آن آتش کوچک تر، یا

آتش دنیاست.

و به باور «فراء» منظور از آتش بزرگ تر، آتش طبقه زیرین دوزخ است.

سپس می افزاید:

ثُمَّ لا یَمُوتُ فِیها وَ لا یَحْیی

آن گاه در آن آتش نه می میرد تا راحت شود و بیاساید، و نه زنده می شود تا به زندگی درست و شایسته ای برسد، بلکه به گونه ای گرفتار عذاب و کیفر عملکرد خویش است که هماره آرزوی نابودی خویش را می کشد.

به باور پاره ای منظور این است که چنین کسی روح حیات و زندگی انسانی را در خود نمی یابد.

سه راز رستگاری و نجات در آیه بعد در اشاره به راز نجات و رستگاری انسان ها می فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَکّی

راستی که رستگار گردید آن کسی که خود را پاک گردانید و اصلاح کرد.

از دیدگاه گروهی منظور پاکسازی دنیای وجود خویش از بلای شرک و کفر است.

امّا به باور گروهی از جمله «ابن عباس» منظور این است که: بی گمان آن کسی که با انجام کارهای شایسته و پروای از خدا خویشتن را پاک و پاکیزه ساخت، به نهایت آرزوی خود بال گشود.

به باور «ابن مسعود»، هر کس زکات و حقوق مالی خویش را داد رستگار گردید. او به هنگام تلاوت این آیه می گفت: خدای رحمت کند آن کسی را که حقوق محرومان را از ثروتش بدهد، و ضمن اصلاح رابطه خویش با بندگان خدا، نماز بخواند و با خدای خویش نیز رابطه اش گرم و عاشقانه باشد.

و به باور گروهی دیگر از مفسران پیشین از جمله «ابوالعالیه» منظور پرداخت زکات مال و زکات فطره است.

از امیرمؤمنان و امام صادق نیز این دیدگاه روایت شده

است.(۱۴۰)

در این جـا این پرسـش در خور طرح است که این سوره در مکّه فرود آمـده است، و در آنجـا و آن شـرایط آغـازین سال های بعثت، نه زکات مقرر شده بود، و نه زکات فطره و نه ماه رمضان یا مراسم عید فطر تا آیه مورد بحث این گونه تفسیر گردد.

پاسخ این است که ممکن است آیات آغازین این سوره در مدینه فرود آمده باشد، و آیات پایانی آن در مکّه.

و نیز می فرماید:

وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی

و نام پروردگارش را آن گونه که باید با اخلاص یاد کرد و نماز گزارد.

به باور «ابن عباس» منظور این است که: و خدا را به یکتایی یاد نمود و برای او شریک و همتایی تصور نکرد.

و به باور پاره ای دیگر، منظور این است که: و خـدا را به هنگام نماز با همه وجود به خاطر داشـته باش، و ضـمن امید بسـتن به پـاداش او، از کیفر او بـترس، چرا که خشـوع در نمـاز همین است که انسـان به مهر و رحمت خـدا امیـدوار باشـد، و از کیفر او بیمناک.

از دیدگاه برخی، به هنگام آغاز نماز با یاد خدا آن را آغاز کن و بگو: اللّه اکبر، چرا که نماز با این جمله آغاز می گردد.

و از دیدگاه برخی دیگر منظور این است که: و نمازهای شبانه روزی خود را با یاد و نام خدا آغاز کن.

دنیاطلبی سر چشمه انحراف و سقوط

در شانزدهمین آیه مورد بحث روی سـخن را به کفرگرایان و حق ناپذیران نموده و در بیان راز انحراف از شاهراه رسـتگاری و نجات می فرماید:

بَلْ تُؤْثِرُونَ

الْحَیاةَ الدُّنْیا

امّا شما اصلاح ناپذیران در اندیشه سعادت و رستگاری واقعی نیستید، بلکه تنها در اندیشه زندگی دنیا هستید و آن را آباد می سازید و آن را بر زندگی جاودانه آخرت برگزیده اید.

از دیدگاه پاره ای روی سخن در آیه جهان شمول و همگانی است و از توحیدگرا و کفرگرا انتقاد می شود که شما در اندیشه دنیا و لذت های آن هستید و در مورد آخرت نمی اندیشید.

«ابن مسعود» می گوید: دنیا و لذت ها و خوردنی ها و نوشیدنی ها و زیبایی های آن در برابر دیدگان ماست، امّا سرای آخرت و نعمت های وصف ناپذیر آن تنها برای ما وصف شده و در برابر دیدگان ما نیست، به همین جهت ما دنیای نقد را گرفته و نعمت های آخرت و آینده را، گرچه ماندگار و شکوهبار است رها ساخته ایم.

آن گاه در انگیزش انسان به ساختن آخرت می فرماید:

وَ الْآخِرَةُ خَیْرٌ وَ أَبْقی

با این که سرای آخرت و بهشت پر طراوت و زیبا بهتر و ماندگارتر است.

در روایت آمده است: کسی که آخرت خود را دوست بدارد به دنیای خود زیان می رساند و کسی که دنیا را برگزیند و دوست بدارد به آخرت خویش زیان می زند.

سپس می فرماید:

إِنَّ هذا لَفِی الصُّحُفِ الْأُولی

این برنامه خودسازی و خود شکوفایی در صحیفه های آسمانی پیشین نیز آمده است، و این تنها قرآن نیست که این برنامه را برای انسان ها آورده است که رستگاری و نجات در گرو رابطه عاشقانه با خدا و نماز خواندن، رعایت حقوق مردم و پرداخت زکات و نیز برگزیدن نعمت های سرای آخرت بر نعمت های فناپذیر دنیاست.

به باور پاره ای منظور این است که: آن کسی

که خودسازی کند و خدا را به عظمت یاد نماید، و نماز بخواند، چنین کسی در کتاب های آسمانی پیشین، بسان قرآن ستایش شده است.

در آخرین آیه مورد بحث که پایان بخش این سوره است در تفسیر آیه پیش می فرماید:

صُحُفِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى

در کتاب های ابراهیم و موسی.

از آیه شریفه چنین دریافت می گردد که بر خلاف پندار برخی از مفسران، ابراهیم نیز دارای کتاب آسمانی بوده است.

در روایتی از «ابوذر» می خوانیم که می گوید: از پیامبر گرامی در مورد شمار پیامبران پرسیدم که چند نفر بودند؛ فرمود: یکصد و بیست و چهار هزار نفر.

پرسیدم: رسولان آنان چند نفر بودند؟

فرمود: سیصد و سیزده نفر و بقیه آنان پیام رسان بودند.

گفتم: آیا آدم پیامبر خدا بود.

فرمود: آری، خدا با او سخن گفت و او را با دست قدرت خویش آفرید.

آن گاه افزود: هان ای ابوذر! چهار نفر از پیامبران عرب بودند: هود، صالح، شعیب، و پیامبر تو.

پرسیدم: خدای فرزانه چند کتاب فرو فرستاده است؟

فرمود: یکصد و چهار کتاب؛ ده کتاب بر «آدم» پنجاه کتاب بر «شیث»، سی کتاب بر «ادریس» و او نخستین کسی است که به وسیله قلم به نگارش پرداخت. بر «ابراهیم» ده کتاب، و نیز تورات، انجیل، زبور و فرقان را، بر موسی، مسیح، داود و محمد(ص).

در روایت آمده است که در صحف ابراهیم چنین آمده است:

ينبغى للعاقل اَنْ يكون حافظاً للسانه، عارفاً بزمانه، مقبلاً على شأنه.

بر انسان خردمند و خردورز زیبنده است که حافظ زبان خویش، و آگاه به روزگار خود باشد و به موقعیت و جایگاه خویش بیندیشد.

پاره ای برآنند

که همه کتاب های آسمانی در ماه رمضان فرود آمده اند.

پرتوی از سوره مبارکه در آیات نوزده گانه این سوره این نکات در خور نگرش و تدبیر و درس آموزی بسیار است:

۱ – تدبّر در ستایش خالصانه و عارفانه خدا در قلمرو اندیشه، قلب، زبان و میدان گوناگون زندگی.

۲ – تدبّر در اوصاف چندگانه خدا، نظیر: وصف تدبیرگری خدا، برتری و والاتری او،

آفریدگاری او،

نظام بخشی او،

برنامه ریزی و تقدیرگری او برای حرکت موجودات به سوی کمال، هدایت گری او،

آگاهی و دانش بی کران او

۳ – تدبّر درباره موهبت و رسالت،

۴ – تدبّر در مورد واکنش انسان های اصلاح پذیر و اصلاح ستیز در برابر پیامبر خدا،

۵ – تدبّر در مورد سرنوشت سعادتمندان و تیره بختان،

۶ – تدبّر در برنامه رستگاری و نجات که به بیان آیات این سوره عبارتند از: خودسازی و خود شکوفایی و تزکیه دل و جان و اندیشه و روان از تاریک اندیشی و شرک و خودکامگی،

و تلاش در روشن ساختن جان و احساس حضور خدا و وصف او با همه وجود و هماره به یاد او بودن،

و آن گاه رابطه عاشقانه با خدا که رمز آن نماز است،

و سرانجام عمل به مقررات او و رعایت حقوق انسان ها.

۷ – و تدبّر در مورد اهمیت این برنامه نجات که در همه کتاب های آسمانی آمده است.

بار خدایا ما را در شناخت برنامه و عمل به آن یاری فرما!

تفسیر اطیب البیان

سوره اعلی ، غرض سوره :تسبیح و منزه داشتن خالق مدبر عالم و موعظه و انذار خلق .

(۱) (سبح اسم ربک الاعلی):(نام پروردگار بلند مرتبه خود

را منزه بدار)

(۲) (الذی خلق فسوی):(آنکس که آفرید و هر چیز را در جای خود قرار داد)

(۳) (و الذی قدر فهدی):(و آنکس که هر چیز را اندازه گیری نمود و بسوی هدفش هدایت فرمود)

(۴) (و الذی اخرج المرعی):(و آنکس که چراگاهها را از زمین بیرون آورد)

(۵) (فجعله غثاء احوی):(و سپس آن را به صورت خاشاکی سیاه در آورد)از آنجاکه اسم دلالت بر مسمی می کند،متوجه می شویم منظور از اینکه به پیامبر ص فرمان می دهد، نام پروردگارت را تنزیه کن ، این است که : هر وقت نام پروردگارت را به زبان می آوری نام غیر او نظیر آلهه و شرکاء و شفعاء را به زبان میاور و به آنها نسبت ربوبیت مده ، چون ساحت پروردگارت منزه از شرک است و شاید هم مراد این باشد که اموری را که لایق ساحت مقدس خداوند نیست از قبیل : جهل و ظلم و غفلت و....و هرصفت نقص و عیب را به خدا منسوب نکن ، این مرحله تنزیه و تقدیس زبانی است که البته باید با تنزیه خدا در مرحله عمل نیز موافق باشد و لازمه چنین تنزیهی توحید کامل ونفی شرک است .و اینکه پروردگار را با نام اعلی یاد کرد، به جهت اشاره به بلندی و قهر و چیرگی پروردگار بر مخلوقات است ، چون او از هر بلند مرتبه و قاهری ، والاتر و قهارتر است ،در ادامه می فرماید: همان پروردگاری که همه موجودات را از کتم عدم ایجاد کرد واجزای آنها را گردآوری نمود و سپس هر جزء را در جای مناسب خود قرار داد،

همان پروردگاری که آنچه را آفریده با اندازه مخصوص وحدود معین خلق کرده ، هم درمرحله ذات و هم در مرحله صفات و افعال و نیز آن مخلوق را به جهازی مجهز نموده که بوسیله آن بسوی هدف مقدر شده خود، هدایت می شود، پس هر موجودی به هدایت تکوینی در سیر تکامل خود به پیش می رود، همچنانکه فرمود:(لکل وجهه هومولیها برای هر یک هدفیست که بدان سو روانند).در ادامه می فرماید: همان پروردگاری که چراگاه و مرتع را از زمین می رویاند تاچهارپایان از آن استفاده کنند و سپس در چرخه حیات آن را بصورت خاشاکی خشک و سیاه در می آورد و این آیات همه نمونه هایی از تدبیر ربوبی و دلائلی بر توحیدربوبیت است .

(۶) (سنقرئک فلا تنسی):(بزودی آنقدر قرآن را بر تو می خوانیم که دیگر آن رافراموش نکنی)

(۷) (الا ما شاء الله انه یعلم الجهر و ما یخفی):(البته به اذن ما، وگرنه هر چه را خدابخواهد از یاد می بری ، همانا خدا دانای به آشکار و نهان است ؟)

(۸) (و نیسرک للیسری):(و ما بر سر هر دو راهی تو را به سوی راه آسانتر سوق می دهیم و به هدایت فطری به تو راه درست را الهام می کنیم)

(۹) (فذکر ان نفعت الذکری):(پس تو تذکر بده ، البته اگر تذکر مفید باشد)

(۱۰) (سیذکر من یخشی):(بزودی آنها که از خدا خشیت دارند متذکر می شوند)

(۱۱) (و یتجنبها الاشقی):(ولی بدبخت ترین افراد از آن اعراض می کنند)

(۱۲)(الذی یصلی النارالکبری):(همان کسانی که درآتش عظیم دوزخ خواهندسوخت)

(۱۳) (ثم لا یموت فیها و

لاـ یحیی):(سپس در آن نه مرگی هست و نه حیاتی) در ادامه خطاب به رسولخدا ص می فرمایـد: ما چنان قـدرتی به تو می دهیم که قرآن را درست و خوب بخوانی و همانطور که نازل شـد، بدون کم و کاست آن را به گوش مردم برسانی و چیزی از آن را فراموش نکنی .بنابراین در این عبارت خداونـد ضـمانت کرده و وعده داده که قرآن را همانطور که نازل شده حفظ کند و مانع از تحریف و تغییر آن شود چون خـدا علم به قرآن و حفظآن را در اختیار پیامبراکرم ص قرار داده است ، آنگاه در مقام اسـتثناء و به منظور بقـای قـدرت الهی بر اطلاق مورد می فرمایـد، چنین نیست که بعـد از اعطای این موهبت ، خدانتوانـد تو را دچار فراموشـی کنـد، بلکه قدرت خدا به جای خود باقیست و هر آن اراده کند می تواند قرآن را از یاد تو ببرد، آنگاه در مقام تعلیل این مطلب که خداوند قرآن راحفظ نموده و خاطر پیامبر را از تلقی وحی آسوده می کند، می فرماید: ما هم از ظاهراشیاء آگـاهی داریم و هم به بـاطن آنهـا و لـذا به ظـاهر و باطن تو نیز آگاهیم و می دانیم که توچقـدر در حفظ وحی اهتمام داری و چقدر در اطاعت پروردگارت مشـتاقی ، به همین دلیل تو را مدد نموده و قدرتی به تو افاضه می کنیم که وحی را درست تلقی نموده و آن را از یـاد نبری .در ادامه می فرمایـد: مـا بزودی طریقه آسان را برای تو فراهم می کنیم ، یعنی تو راآنچنان هـدایت می

کنیم که برای دعوت و تبلیغ زبانی و عملی آسانترین راه را انتخاب کنی و تو را مجهز به الهامهایی می کنیم که بتوانی وظیفه رسالت خود را به بهترین وجهی به انجام رسانی و خودت بهترین طریقه را انتخاب کنی ، یعنی فطرت تو را چنان صافی می کنیم که جز طریقه آسان و احسن را بر نگزینی .آنگاه به عنوان نتیجه گیری می فرماید: پس تو هم هر جا که دیدی تذکر، ثمر بخش است ، تذکر بده ، چون تذکر در غیر آن مورد امری لغو و بی ثمر است ، پس تذکر وموعظه در موردی باید بکار رود که در طرف مقابل زمینه ای برای تذکر باشد که درمورد چنین شخص تذکر بیشتر هر چه بهتر دل او را به جانب حق متمایل می سازد، اما درمورد شخصی که هیچ زمینه ای برای تذکر ندارد و سنگدل است ، یکبار تذکر دادن برای اتمام حجت ضروری است ، اما تذکر بیشتر او امری لغو و بی ثمراست .آنگاه در توضیح بیشتر می فرماید: بزودی افرادی که در قلب خود ذره ای خشیت خدا و ترس از عقاب او دارند، بوسیله قرآن متذکر شده و اندرز می گیرند، بنابراین تذکرتو به چنین افرادی سودمند است ، اما افراد سنگدل و شقی که در دل خود هیچ نگرانی وخشیتی از عذاب خدا نداشته باشند بواسطه قرآن و تذکر تو، بیشتر از تذکر تو فاصله می گیرند و اجتناب می کنند، چون آنها افرادی هستند که از حق گریزانند و جایگاهشان آتش دوزخ است که در مقایسه با آتش دنیا، آتشی بزرگتر و سوزاننده

تر است و آنگاه در آن آتش نه می میرنـد که از عـذاب منقطع و آسوده شونـد و نه با وجود عـذاب سوزنـده آن لحظه ای می تواننـد در آرامش و سـعادت زنـدگی طیبه داشـته باشـند، بنابراین آنها درآتش جهنم هیـچ روزنه نجاتی ندارند و تا ابد در آن جاودانه هستند، مانند:بیمارلاعلاجی که نه امیدی به بهبودی او هست و نه می میرد که امیدها از او قطع شده وفراموش گردد.

(۱۴) (قد افلح من تزکی):(به تحقیق کسی که خود را تزکیه نمود، رستگار شد)

(۱۵) (و ذکر اسم ربه فصلی):(و هر وقت نام خدا را به یاد آورد به نماز ایستاد)(تزکی) در اینجا یعنی تمایل به پاک شدن از لوث تعلقات مادی دنیوی که این ا مربوسیله توبه کردن و بازگشت بسوی خدای تعالی و نیز انفاق در راه او تحقق می یابد و به این وسـیله انسـان خود را از تعلقـات مـادی آزاد می سـازد، و مراد از (ذکر نـام خـدا) ذکرزبـانی و مراد از (صـلوه) همان نماز معمولی و توجه خاص عبادی است که در اسـلام تشـریع شـده ، این آیات ظاهرا برای همه مصادیق طاعات عمومیت دارند، اما روایات وارده از طریق ائمه (علیهم السـلام) و نیز از طریق اهل سنت شأن نزول این آیات را درباره زکات فطره و نماز عید فطر دانسته اند.

(۱۶) (بل تؤثرون الحیوه الدنیا):(بلکه شما زندگی دنیا را ترجیح می دهید)

(۱۷) (و الاخره خیر و ابقی):(در حالیکه آخرت بهتر و پایدارتر است)

(۱۸) (ان هذا لفی الصحف الاولی):(این سفارشها در کتابهای قدیمی نیز بوده)

(۱۹) (صحف ابراهیم و موسی):(کتابهای ابراهیم

و موسی)با لحنی توبیخی می فرماید: علی رغم اینکه گفتیم رستگاری در تزکیه و یاد پروردگاراست ، ولی شما انسانها در پی پاک شدن نیستید و بر اساس دعوتی که طبع بشری شمادارد، شما تعلق تام به دنیا و اشتغال به آبادانی دنیا را بر زندگی آخرت ترجیح می دهید وحال اینکه زندگی آخرت در مقایسه با دنیا بسیار برتر و پایدارتر است ، بلکه اصولاحیات آخرت دائمی و ابدی است و این مطالبی که ما به شما تذکر دادیم و شما را امر به تزکیه و یاد پروردگار نمودیم ، قبلا در صحف اولی هم گفته بودیم و آن صحف عظیم الشأن کتابهای آسمانی نازل بر ابراهیم ع و موسی ع می باشد.

تفسیر نور

تسبیحِ نام خدا، یعنی نه فقط برای ذات خداوند، شریک قائل نشویم، بلکه حتّی برای نام او نیز شریک نیاوریم و نام دیگران را هم ردیف نام خداوند قرار ندهیم. چنانکه برخی گروه های التقاطی می گفتند: «به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران»

در قرآن و حدیث نشانه های زیادی است که اسلام به محترم شمردن نام های مقدّس عنایت دارد. چنانکه در این سوره می فرماید: علاوه بر تسبیح ذات، اسم پروردگار را هم باید منزه بدانی. در جای دیگر می فرماید: نام پیامبر را مثل نام های خودتان ساده نبرید: <<لاتجعلوا

اء الرسول کدعاء بعضکم بعضا>><۷۹۱> در جای دیگر می فرماید: چرا فرشتگان را به نام زن می خوانند: <<لیسمّون الملائکه تسمیه الانثی>><۷۹۲> و پیامبر اسلام نام های نامناسب یاران را تغییر می دادند.

مسئله آفرینش و هدایت، در آیه پنجاه سوره طه نیز آمده است، آنجا که فرعون از حضرت موسی علیه السلام پرسید: پروردگار شما کیست؟ گفت: <<ربّنا الّذی اعطی

کلّ شی ء خلقه ثم هَدی >>ناگفته پیداست که مراد از این هدایت، هدایت تکوینی است که خداوند در موجودات قرار د

ه است. مثلا ساختمان بـدن مادر را به گونه ای هـدایت کرد که شـیر تولید کند و نوزاد را هدایت کرد که به سـراغ سـینه مادر رفته و شد بمکد.

هـدایت تکوینی موجودات بـا مرور زمـان بهـتر فهمیـده می شود. همین امر است که هزاران دانشـمند را به تحقیق وا داشـته که چگونه پرنـدگان یا ماهی ها حتّی اگر صـدها کیلومتر از جای خود دور شونـد باز به محل خود بر می گردنـد. هدایت الهی در هر موجودی چیزی قرار داده که او ر

به راه تکامل خود پیش می برد. ذرات خاک میوه می شود، میوه نطفه و سپس انسان، دوباره جسم انسان، خاک می شود.

«سَوّی» به معنای نظام بخشیدن است. از نظام کهکشانها گرفته تا نظام حاکم بر یک حشره ذرّه بینی. «غُثاء» یعنی گیاه خشک و خاشاک و «أحوی به معنای سبزی است که رو به سیاهی باشد.

حتّی یـک برگ کوچـک و خاشاک ناچیز هم به حال خود رها شـده نیست. سبزه زاری که در دیـد ما خشک و تیره می شود، در نظام هـدایت الهی است، زیرا همان برگهای خشـکیده به ماده دیگری تبـدیل می شود که برای قوت و قوّت زمین و درخت لازم است یا در شرایط انبوه تبدیل به زغال سن

شده و یا آثار مفید دیگری در خاک دارد.

۱- نام خداوند مقدّس است. از هرگونه بی احترامی به نام او پرهیز کنید. <<سبّح اسم ربّک>>

۲- اوصاف ناشایست را در کنار نام خدا قرار ندهید. <<سبّح اسم ربّک>>

۳- نام های اختصاصی خداوند را بر دیگران ننهید. <<سبح اسم ربّک>>

۴- تسبیح او

سبب رشد و پرورش شما است. <<سبح اسم ربّك>>

۵ - مسئولیّت شرک زدایی در درجه اول به دوش رهبر آسمانی و سپس بر عهده همه مؤمنان است. <<سبّح>>

۶- توحید کامل در پرتو تنزیه ذات و تسبیح نام اوست. <<سبّح اسم ربّك>>

۷- خداوند، از هرچه گفته و نوشته و تصور شود، برتر است. او در همه کمالات برتر است. <<ربّك الاعلی>>

۸ - خداوند، فقط خالق نیست، بلکه نظام بخش هستی و موجودات است. <<خلق فَسَوّی>>

۹- ظرفیّت و هدایت موجودات، دلیل بر هدفمندی آفرینش است. <<قدّر فَهدی>>

۱۰- فرمان های الهی همراه با حکمت و دلیل است. نام خدا را تسبیح کن، زیرا او اعلی است، آفرید و سامان داد و هدایت کرد <<سبّح... الاعلی، خلق فسوّی و الّذی قدّر فهدی>>

۱۱- هدایت تکوینی آفریده ها در چهره های مختلفی است، گاهی سبز و گاهی خشک ولی هر دو در مدار هدایت است. <<اخرج المرعی فجعله غثاء احوی>>

حضرت موسی برای موفقیّت در انجام تبلیغ، دو چیز از خدا خواست، یکی سعه صدر ویکی آسان شدن امر رسالت: <<ربّ اشرح لی صدری و یسّر لی امری>><۷۹۶> خداوند این دو امر را بدون درخواست، به پیامبر اسلام عطا فرمود. چنانکه درباره سعه صدر فرمود: <<ألم نشرح لك صدرك>

<۷۹۷> و درباره آسان شدن امر دعوت در این آیه می فرماید: <<و نیسّرك للیسری>>.<۷۹۸>

مراد از <<نیسّرك>> آن است که ای پیامبر! نفس شریف تو را با خلق عظیم و سعه صدر و صفا و سادگی، چنان مهیّا می کنیم که بتواند وظیفه رسالت را به آسانی و به بهترین طریق انجام دهد. کاری می کنیم که تو خود راه آسان را انتخاب کنی که همان راه فطرت است.<۷۹۹>

شرایط تذکّر و موعظه:

الف: شرط

موعظه، آمادگی واعظ است. <<نیسّرک... فذکّر>>

ب: تذکّر و موعظه باید بر اساس قرآن باشد. <<سنقرئک... فذکّر>>

ج: واعظ باید خود اهل غفلت و نسیان نباشد. <<فلا تنسی... فذکّر>>

د: واعظی موفق است که به امدادهای الهی امیدوار باشد. <<سنقرئک... نیسّرک... فذکّر>>

۱- تبلیغ دین و دعوت مردم به سوی خدا، مشکلات و سختی های فراوانی در پیش دارد که خداوند وعده داده است، مبلّغ دین را یاری دهد و تحمّل سختی ها را بر او آسان سازد. <<نیسرک للیسری >

۲- به هر کس مأموریّتی می دهید، گره کارش را باز کنید. <<نیسرک للیسری فذکّر>>

۳- تسبیح ما مقدّمه کار گشایی خداوند است. <<سبّح اسم ربّک ... نیسرک للیُسری >>

۴- نزول وحی برای تذکّر به مردم است. <<سنقرئک... فذکّر>>

۵ - شرط تذکّر، پند پذیری است و پیامبر نسبت به افراد پندناپذیر مسئولیّتی ندارد. <<فذکّر اِن نفعت الذکری>>

۶- تنها افراد خداترس تذکّر را می پذیرند. <<سیذکّر من یخشی>>

۷- پنددادن افراد خداترس آسان تر است. <<نیسرک للیُسری... سیذکر من یخشی>>

۸ - به مُبلّغ باید دلداری داد که کارش بیهوده نیست. <<فذکّر... سیذکّر...>>

۹- مُبلّغ نباید توقّع تأثیر فوری داشته باشد. <<سیذکّر>>

۱۰- مشکل کفّار دوری خود آنان از قرآن و پیامبر است، نه آنکه در این دو عنصر پاک، ضعف یا نقصی باشد. <<یتجنّبها>>

۱۱- قرآن میزان است. پندپذیر آن مدال «یَخشی» می گیرد، <<سیذکر من یخشی>> و پندناپذیر آن لقب «اشقی» دریافت می کند. <<و یتجنّبها الاشقی>>

۱۲- دوری از پند و پیام قرآن، مایه شقاوت است. <<یتجنّبها الاشقی>>

۱۳- سیره دائمی تیره بختان دوری از پند است. <<یتجنبها>> در قالب مضارع برای معنای استمرار و دوام است.

۱۴- بدبخت ترین مردم کسی است که خشیت الهی ندارد. <<اَشقی>> در برابر <<یَخشی>> قرار گرفته است.

۱۵- توقّع

اصلاح همه مردم را نداشته باشید. <<سیذکر من یخشی و یتجنّبها الاشقی>>

۱۶- عامل پذیرش و عدم پذیرش در درون خود انسان است. <<یخشی... اشقی>>

۱۷- کیفر به مقدار خباثت است. <<اشقی - النار الکبری>>

۱۸- دوزخ برای گروهی ابدی و همیشگی است. <<لایموت فیها و لایحیی>>

۱۹- خلود در دوزخ، طبیعت دوزخیان را تغییر نمی دهد که دیگر از آتش رنج نبرند، بلکه دائما در شکنجه هستند. <<لایموت فیها و لا یحیی>>

تزکیه، آن است که فکر از عقاید فاسد و نفس از اخلاق فاسد و اعضاء از رفتار فاسد، پاک شود و زکات پاک کردن روح از حرص و بخل و مال از حقوق محرومان است.

در مکتب انبیا، رستگاران پاکان هستند: <<قد افلح من تزکی>> ولی در مکتب طاغوتیان، رستگاران زورمندانند. فرعون می گفت: هر کس پیروز شود رستگار است. <<قد افلح الیوم من استعلی>><۸۰۰>

در قرآن رستگاری قطعی، هم برای مؤمنین آمده: <<قد افلح المؤمنون>><۸۰۱> و هم برای کسانی که خود را تزکیه کرده اند: <<قد افلح من تزکّی>> پس مؤمن واقعی همان کسانی هستند که خود را تزکیه کرده باشند.

۱- قرآن در پایان برخی آیات می فرماید: امید است رستگار شوید. <<لعلّکم تفلحون>> زیرا کار خیر از افرادی که تزکیه نکرده اند، با ریا و غرور و گناه و منّت گذاری محو می شود. ولی درباره تزکیه شدگان می فرماید: قطعاً رستگارند. <<قد افلح من تزکی>>

۲- تزکیه خود به خود حاصل نمی شود، باید به سراغ آن رفت. <<تزکیّ>>

۳- تزکیه بدون نماز و عبادت نمی شود. <<تزکّی، ذکر اسم ربّه فصلّی>>

در روایات، علاقه به دنیا سرچشمه تمام خطاهاست. «حبّ الدنیا رأس کل خطیئه»<۸۰۲> دنیا پل عبور است، نه توقفگاه، باید از آن عبور کرد و به اقامتگاه

رسید. «خذوا من ممرّکم لمقرّکم»<۸۰۳>

در قرآن معمولاً زکات بعد از نماز آمده است: <<یقیمون الصلوه و یؤتون الزکاه>><۸۰۴> ولی امام صادق علیه السلام می فرماید: در عید فطر پرداخت زکات به فقرا قبل از نماز عید آمده است. سپس این آیه را تلاوت فرمود:<۸۰۵> <<قد افلح من تزکّی و ذکر اسم ربّه فصلّ

<

امام رضاعلیه السلام از معنای این آیه سؤال کرد: <<ذکر اسم ربّه فَصَلی>> شخصی گفت: هرگاه نام خدا را برد نماز بخواند. امام فرمود: این تکلیف سختی است که در شبانه روز هر وقت نام خدا برده شد انسان نماز بخواند. او پرسید: پس معنا چیست؟

امام فرمود: هرگاه نام خدا برده شد، صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد. «کلمّا ذکر ربّه صَلّی علی محمّد و اله»<۸۰۶>

آخرت بهتر از دنیا است، زیرا ویژگی های زیر را دارد:

۱- جاودانگی زمانی: <<خالدین فیها>><۸۰۷>

۲- وسعت مکانی: <<عرضها کعرض السماء و الارض>><۸۰۸>

۳- تنوع در خوراکی: <<انهار من عسل>><۸۰۹>، <<فاکهه کثیر>><۸۱۰>

۴- دوری از ترس و اندوه: <<آمنین>><۸۱۱>

۵ - دوستان وفادار: <<اخواناً علی سرر متقابلین>><۸۱۲>

۶- همسران زیبا: <<کامثال اللؤلؤ المکنون>><۸۱۳>

ابوذر از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که خداوند یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر فرستاده که ۳۱۳ نفر آنها رسول و مابقی نبیّ بوده اند و جمعاً ۱۰۴ کتاب داشتند.<۸۱۴>

۱- مانع تزکیه، علاقه به دنیاست. <<بل تؤثرون>>

۲- دنیا بد نیست، آنچه مورد انتقاد است ترجیح آن بر آخرت است. <<تؤثرون>>

۳- هرگاه از چیزی انتقاد می کنید، نمونه خوب و راهکار آن را نشان دهید. <<تؤثرون... و الاخره خیر>>

۴- ذکر مداوم نام خدا، راه پاک شدن دل و فکر انسان است. <<تزکی و ذکر اسم ربّه>>

۵ – توجه به جلوه های

ربوبیّت، عامل یاد خداست. <<ذکر اسم ربّه>>

۶- نماز باید بر اساس ذکر و توجه باشد، نه غافلانه و بر اساس عادت. <<ذکر اسم ربّه فَصلّی>>

۷- نمازگزاران زمانی رستگارند که اهل تزکیه و یاد خدا باشند. <<تزکّی و ذکر اسم ربّه فصَلّی>>

۸ - کتب آسمانی، همسو و هماهنگ با یکدیگر هستند. <<انّ هذا لفی الصحف الاولی>>

۹- در میان کتب آسمانی، کتب حضرت ابراهیم و حضرت موسی امتیاز خاصی دارد. <<صحف ابراهیم و موسی>>

«والحمد للّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

Refer to the commentary of Fatihah: ۲ for the word rabb.

Aqa Mahdi Puya says:

The Holy Prophet asked his followers to recite this verse in the state of prostration, as he had asked them to recite verse ۹۶ of Waqi-ah in the state of ruku (bowing).

When any name (attribute) of Allah is glorified it must be kept in mind that there is no resemblance whatsoever when the same attribute is attributed to a finite being. Refer to the commentary of Fatihah: ۱ and Hashr: ۲۲ to ۲۴.

Refer to the commentary of Anam: ۲.

There are several references which come to our mind when we glorify the name of our Lord-He brings us into being; He endows us with forms and faculties suited to what is expected of us, and to the environment in which we are placed, giving to everything order, property and proportion.

Refer to the commentary of Rad: ۲; Jathiyah: ۳ to ۱۱ and Rahman: ۵ for the laws made by Allah to govern the universe. Man is discovering these laws and using them to his advantage, and in the process

comes to know that violation of any of these laws brings destruction, therefore he must also follow the laws made by Allah to discipline his conduct both as an individual and as a member of human society. The divine guidance to show him the right path was made known through His messengers; and the final decisive laws to discipline human society in all ages was sent through the Holy Prophet. Whoso follows the laws mentioned in Quran and the life pattern of the Holy Prophet and his Ahl ul Bayt shall attain success in the life of hereafter.

Refer to the commentary of Tariq: ١١ to ١۴ for the sustenance the earth provides to man. Here reference is made to the cycle of growth and decay in that which the earth produces by which the continuous supply of means of sustenance is maintained.

(see commentary for verse ۴)

Refer to the commentary of Baqarah: ٢; Zumar: ٢٣ and Dahr: ٢٣ for the gradual revelation of the Quran.

As man makes gradual progress for going into light from darkness, so the Quran was recited by the Holy Prophet as and when commanded by Allah so that the people might remember each commandment and apply it in their day to day life and grow steadily in spiritual development.

La tansa implies divine protection from forgetfulness. While living among people, though the verses of the Quran were revealed to him only once, the Holy Prophet always remembered them in verbatim.

Aqa Mahdi Puya says:

Any tradition which narrates that the Holy Prophet did not remember

the verses of the Quran or some parts of the prayers must be treated as spurious in the light of this verse. Refer to the commentary of Baqarah: ۷۸; Mumin: ۵۵, Muhammad: ۱۵ and ۱۹ and Fat-h: ۲ to know the reasons for attributing ordinary human frailties to the Holy Prophet. If it was possible that he could forget any of his duties, the people would not have been commanded by Allah to follow and obey him. The .Holy Prophet is protected from forgetting his duties

It is said in verse ۱۰۸ of Hud that those who will be blessed shall abide in paradise so long as the heavens and the earth survive except if Allah wills otherwise. Although Allah has the power to do what He wills but the exception mentioned may not be willed as His grace once willed will not be reversed in the life of hereafter. The exception in these verses is similar to the exception mentioned in the above noted .verse

(see commentary for verse ۶)

The path of Islam is not confused by abstruse mysteries. It invites man to do good and avoid evil in accordance with the laws of mans nature as implanted in him by .Allah. See commentary of Baqarah: ۱۱۲, ۱۳۵; Ali Imran: ۹۵; Bara-at: ۳۶ and Rum: ۳۰

The effectiveness of the admonition depends upon the capacity of those who hear the reminder. The cases where admonition produces positive benefits and where it ,does not, are mentioned in verses ۱۰ and ۱۱. When the message of Allah is proclaimed

it creates positive response in those in whose hearts is the fear of Allah, which those who run away from it, reject and belie it prepare their own ruin. They will be thrown into the fire of hell where they will neither die nor live. See commentary of Ta Ha: ٧۴. Those in whose hearts is the fear of Allah purify their souls by not disobeying or revolting against the commands of Allah, and by submitting their souls to the will of Allah, and never going astray from the path of righteousness. They are those who really glorify the name of their most high Lord as mentioned in verse ١. The transgressors prefer the life of this world but those who have purified their souls know that the blessings of the hereafter are for ever with which they will be rewarded .by Allah

Refer to the commentary of Ibrahim: ۴. Godliness and righteousness have been preached to mankind in all ages. They have been renewed and reiterated again and again. All the prophets of Allah came to convey the message of Allah. Some paid .attention and accepted the truth and some rejected and rebelled against it

There must have been some testament of Ibrahim, which like so many other scriptures is now lost to the world. A book, said to be apocryphal, entitled the Testament of Abraham was translated from the Greek original and published for the .first time in ١٨٩٢, at Cambridge, by M. R. James

.The book of Musa referred to here is the original Tawrat

The present Pentateuch is a man-made revision (see page ۳۷۴).

(see commentary for verse ۹)

(see commentary for verse ۹)

(see commentary for verse ۹)

(see commentary for verse ۹)

(see commentary for verse ۹)

(see commentary for verse ۹)

(see commentary for verse ۹)

(see commentary for verse ۹)

(see commentary for verse ۹)

(see commentary for verse ۹)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹